



خبرنامه کانون سنگرسازان بی سنگر

فهرست

۲	برخی الزامات اقتصاد مقاومتی از نگاه رهبر معظم انقلاب
۴	ما می توانیم! یا ما می توانیم؟ کدام «ما» و به کجا؟
۵	راهبردهای جهادی در رهنمودهای راهبری / بخش دوم
۱۲	گفتار کوتاهی از متخصص و دانشمند شیعه لبنانی دکتر محمد جلال محفوظ
۱۳	مدیریت جهادی - مدیریت اشرافی
۱۵	فلسفه روش / سؤال و جوابی با سیدمنیرالدین حسینی
۲۰	از خطبه ی ۱۸ نهج البلاغه
۲۱	گزارش یادواره ۳۳۰۰ شهید و تجلیل از ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی
	اخبار مراکز استان ها
۲۷	سیستان و بلوچستان
۲۹	آذربایجان غربی
۲۹	کاشان
۳۲	مازندران
۳۳	همدان
۳۳	کهگیلویه و بویراحمد
۳۴	یزد
	فرهنگی
۳۵	جواب
۳۶	واقعاً خدا عادل است؟
۳۷	چکیده یک پژوهش
۳۸	الگوی جهادی شوش
۴۰	مشورت در جهاد سازندگی
	حفظ یاد
۴۲	یادی از شهید قدرت الله امینیان
	تاریخ جهاد
۴۴	جهادگران: دلاوران گمنام
۴۶	جاده کربلا، گذرگاه فاتحان عملیات والفجر ۱۰

بهمن و اسفند ۱۳۹۲ - شماره ۸۰

صاحب امتیاز:

کانون سنگرسازان بی سنگر مرکز

مدیر مسئول:

حسینعلی عظیمی

مدیر هنری:

موسسه فرهنگی رایان طلایه (۳۰-۸۸۵۹۴۱۲۸)

مدیر هنری:

محمد دوعلی

مدیر اجرایی:

مجید صفی

ویرایش و نمونه خوانی:

فرزانه مختاری

با تشکر از همکاری:

شمس الله مرادنیا، محمد دلگرم، سیامک

عظیمی، کانون های سنگرسازان بی سنگر

خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان

غربی، کاشان، مازندران، همدان، کهگیلویه و

بویر احمد، یزد، خراسان جنوبی، کرمانشاه،

مازندران، آذربایجان غربی و اداره امور ایثارگران

استان های سیستان و بلوچستان، همدان، کهگیلویه

و بویر احمد

نشانی:

تهران، خیابان ستارخان، خیابان شادمهر، پلاک ۲۵۹

تلفن:

۶۶۵۰۶۹۰۸-۶۶۵۰۱۴۹۵

فکس:

۶۶۵۰۳۹۲۳

وبسایت کانون سنگرسازان بی سنگر:

www.ksb1383.ir

پست الکترونیک کانون سنگرسازان بی سنگر:

ksbm1383@gmail.com

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

شرکت ایرانچاپ (۲۹۹۹۳۴۴۵)



کاهش وابستگی به نفت

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله‌ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمذزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگ‌ترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله‌ی کارهائی است که می‌تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند.

۱۳۹۱/۵/۳

تکیه بر مردم

اقتصاد مقاومتی شرائط و ارکانی دارد؛ یکی از بخشهایش همین تکیه‌ی به مردم است؛ باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود.

۱۳۹۱/۶/۲

مقاوم بودن اقتصاد

وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضائات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند.

۱۳۹۲/۱/۱

تبیین دانشگاهی و آکادمیک اقتصاد مقاومتی

آنچه که به نظر ما رسیده، اقتصاد مقاومتی بوده، این یک فکر است، یک مطالبه‌ی عمومی است. شما دانشجو هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید؛ بسیار خوب، با زبان دانشگاهی، همین ایده‌ی اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید.

۱۳۹۱/۵/۱۶

اقتصاد دانش‌بنیان

به نظر من یکی از بخشهای مهمی که میتواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین شرکتهای دانش‌بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است.

۱۳۹۱/۵/۸

اقتصاد
برخی الزامات کلان

حمایت از تولید ملی

یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی...واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند و سوددهی‌شان خوب است، لذا محصول سیمان و فولادمان خوب است لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد.

۱۳۹۱/۶/۲

مدیریت منابع ارزی

باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرفهای گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعا یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود.

۱۳۹۱/۶/۲

مدیریت مصرف

مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند که امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد.

۱۳۹۱/۵/۳

استفاده‌ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات

از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرحهایی که سالهای متمادی طول میکشید، امروز خوشبختانه با فاصله‌ی کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد.

۱۳۹۱/۵/۳

حرکت بر اساس برنامه

حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیمهای خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد میشود و به مقاومت ملت ضربه میزند. این را، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاستهای اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود.

۱۳۹۱/۵/۳



ما می توانیم! یا ما می توانیم؟ کدام «ما» و به کجا؟

مدیر مسئول

و بعد از ترویج و تبلیغ آن در سیمای جمهوری اسلامی آنها را به قیمت دو برابر به پولدارهای تازه به دوران رسیده و غافل کشور می فروشند و دو برابر سرمایه جمع میشود برای قدم بعدی. و این ادامه دارد تا وقتی که با زیاد شدن فاصله پولدارهای قلیل با توده فقیر نود و چند درصدی آخرش به آنجا برسیم که هتل ها و آپارتمان های پنج شش ستاره و زمین های گلف و استخرهای شنای ورستوران های لوکس آنچنانی سواحل اسپانیا که بدون خریدار مانده، رسیده اند، و پول هایی که مردم به بانک ها داده بودند تبدیل به وام های غیر قابل وصول شده و صاحبان اصلی شرکت های توسعه دهنده زیرک هم، سود خودشان را برده و سهامشان را به مردم بدبخت طمعکار فروخته و رفته اند! آیا آنچه رهبر انقلاب در اقتصاد می خواهند و می فرمایند این است؟!

۲. واقعیت اینست که مفهوم واقعی شاخص اقتصادی شدن شاخص نرخ بورس و "رونق بازار سرمایه" یک اندام خیلی جزئی از کل هیکل فیل اقتصاد سرمایه داری است. در یک مدت کوتاه سهام کارخانه ماشین سازی و در نتیجه قیمت آن کارخانه دو برابر می شود در حالیکه نه تولید آن دو برابر شده و نه یک کارگاه جدید اضافه شده و نه یک ماشین تولیدی جدید براه افتاده و نه حتی یک شغل تولیدی جدیدی برای مردم کشور ایجاد شده. ولی در همین معرکه عده ای به نسبت "فقط سرمایه های شان" سود برده اند و دلال های زیادی در این جریان باصلاح نان می خورند.

این کجا و اقتصاد درون را که مقام معظم رهبری می فرمایند کجا؟! در خانه اگر کس است، یک حرف بس است، لازم نیست زیادت دربارۀ این سرطانی که به جان دنیا و ما افتاده بحث کنیم و بهتر است به سؤال واقعی امروز بپردازیم که "در مقابل چه باید کرد؟". کو آن مکتب و اقتصاد و مدیریت و حرکت جانشین متعالی؟ که نیازهای روز و واقعی مردم و جوانان، را در عینیت جواب دهد؟

در اینجا توجه شما به چند جمله ای که آن متفکر محقق دانشمند شیعه لبنانی درباره جهاد سازندگی ایران گفته (صفحه ۱۲ همین شماره) جلب و یکبار دیگر به جمله اول مقاله برمیگردیم.

خداوند عزوجل در طول عمر این انقلاب نعمت های بزرگی به این کشور عنایت فرموده که باعث دوام این انقلاب و رفع خطرو کسب پیروزی های بزرگ بوده است. از مهم ترین این نعمتها احساس تکلیف و حضور مردم در صحنه و کشف روش های جهادی در سازماندهی توانمندی های مردم در دفاع مقدس و خیل جوانان آماده فداکاری برای اسلام است. (انشاء... دنباله این مطلب را در شماره آینده ملاحظه فرمائید).

تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری در بخش اقتصاد که با ادبیاتی نظیر لزوم جهاد اقتصادی، خودباوری، اقتصاد دوران زان - نگاه به عدالت اقتصادی بموازات نگاه به توسعه اقتصادی، ویژگی های اقتصاد مقاومتی، باور "ما می توانیم" اتکاء به مردم و... سالهاست در بدنه فکری جامعه انقلابی کشور توسط ایشان القا می شود در پیام سال نو با کلمه "مدیریت جهادی" تکمیل شد.

فرهنگ از اقتصاد مهم تر است لذا نباید بدون فرهنگ به اقتصاد پرداخت. ریشه "فرهنگ" ی که رهبر معظم می فرمایند در - «اسلام» - است و عدالت و دیانت از آن میروید. اقتصادی که قسط و عدالت از آن نروید و دیانت را در جامعه تقویت نکند هرگز مطلوب انسان نبوده و نیست ولی متأسفانه مشاهده می کنیم عوارض اینچنین اقتصادی گریبان مردم

دنیای غرب و شرق را مانند سرطانی گرفته است. بعنوان مثال: ۱. حاصل آن اقتصاد را بصورت اختلاف طبقاتی وحشتناک بین فقیر و غنی، دولت های بدهکار و بانک های آچمز شده و دو دسته مردم نگران آینده خود-بیکاران یا آنها که مثل برده کار می کنند- مشاهده می کنیم. ۲. جنگ افروزی ها و خونریزی های سالهای معاصر در شرق و غرب آسیا و شمال جنوب آفریقا حاصل سود جوئی زیرکانه سازندگان تجهیزات نظامی و امنیتی و شرکت های توسعه گر و سوداگران و غارتگران منابع نفت و ... جهان است.

۳. از بین بردن حیات زن در جامعه و از هم پاشیدن بنیان خانواده که پناهگاه و مأمن کرامت و منزلت و آرامش و سعادت زن - نیمی از پیکر جامعه بشری - است، بیش از آنکه حاصل عوامل دیگر باشد حاصل حاکمیت سود پرستان بر سیاست های تولید و توسعه در بلاد غرب بوده است.

مدل های توسعه مبتنی بر حرص و ولع بی پایان سرمایه داران باهوش و دانشمند دین به دنیا فروخته، و شرکتهای سرمایه گذاری بی فرهنگ که همدست و ابزار بانک های تابع اقتصاد بدون فرهنگ، هستند، متأسفانه دارد ایران انقلابی را هم در بر می گیرد. بعنوان مثال:

۱. هزاران میلیارد از منابع کشور صرف ساختن مجتمع های گردشگری مشوق مصارف اشرافی میشود که از آنها یک دانه گندم و یک کیلو روغن یا یک فن آوری جدید برای کاهش وابستگی کشور به دشمنان، تولید نمی شود و بعد اسم این ترویج فرهنگ اشرافی و مصرف لوکس و صرف منابع هنگفت مالی کشور را می گذراند ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی!

راهبردهای جهادی در

بخش پایانی

رهبردهای

دکتر علیرضا صدرا
دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه تهران



مقدمه

تجزیه و تنظیم و تحلیل متن سخنان راهبری معظم در دیدار با دولت جدید، در آستانه هفته دولت؛ نگاه راهبردی نوین جهادی راهبری را طرح و ترسیم کرده و بر می‌نمایاند. توسعه و عدالت، بویژه توسعه و عدالت هم مردم دار و هم مردم مدار و نیز قانونی و قانونگرا، همچنین توسعه و عدالت دورنی و درورنزا، و سرانجام اقتصاد و توسعه مقاومتی و حتی جهادی، که از اهم شالوده‌ها و شاخصه‌های رویکرد جهادی سازندگی بوده، همراه با توسعه و عدالت دانش بنیان، اعم شالوده‌ها و شاخصه‌های این رهنمودها و راهبردها. اهم مواردی که در نگاهی نوآمد، قابلیت آن را داشته تا فرای بازسازی در نوسازی و بهینه سازی و در نتیجه در بازآوری و روزآمدسازی تجربه کارآمدی؛ بهره وری و اثربخشی نهادی جهادی سازندگی کشوری راهنما بوده و کاملاً راهگشا باشند. بویژه با نگاه دانش بنیان و در قالب شبکه عظیم جهادی دانش بنیان ترسیم شده و تحقق پذیرد. که می‌تواند از طریق ایجاد و گسترش شبکه عظیم شرکت‌های دانش بنیان جهادی عملیاتی گردد. در این صورت و تنها در این صورت می‌توان رهنمودهای بلند راهبری و اهداف والا ولی کاملاً دست یافتنی توسعه متعالی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چشم انداز فرازآینده جمهوری اسلام را تحقق بخشید. توسعه متعالی کشور که خود مقدمت و زمینه ساز تجدید و تاسیس تمدن نوین ایرانی و اسلام می‌بوده و اسوه و الگوی امید آفرین، جهت دهنده و الهام بخش در جهان اسلام و فعال و موثر در جهان معاصر خواهد بود. انشاء الله!

در شماره قبل، بخش نخست از این مقاله که شامل «شاخص‌های مهم دولت مطلوب اسلامی» بود را ملاحظه نمودید، در اینجا بخش دوم و نهایی آن را مطالعه خواهیم کرد.

چهارمین شاخص دولت مطلوب اسلامی *سلامت

الف.

*۱. سلامت اقتصادی

*۲. مبارزت با فساد

سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد چهارمین شاخص دولت مطلوب از نگاه رهبر انقلاب اسلامی بود.

ب.

*۱. (مواظبت) وسوسه انگیز مناصب حکومتی / مدیریتی

*۲. (مواظبت) وسوسه انگیزی قدرت

*۳. (مواظبت) وسوسه انگیزی منابع مادی

*۴. چشم بصیر(ت)

*۵. نورافکنی قوی

*۶. نورافکنی دائم

*۷. مراقب(ت)

*۸. (مواظبت از) دوری از وسوسه فساد

*۹. (مواظبت از) امان از وسوسه فساد

ایشان به اعضای دولت جدید یادآور شدند: «منصب حکومتی جایگاه وسوسه انگیز قدرت و منابع مادی است، مانند یک چشم بصیر و یک نورافکن قوی و دائم، مراقب باشید دستگاه تحت مدیریت شما از وسوسه فساد، دور و در امان بماند».

ج.

*۱. قاطعیت

*۲. تدبیر

*۳. (خود) آسیب شناسی - زدایی درونی

*۴. (خود) آسیب شناسی - زدایی دائمی

خود سالم سازی

*۵. عدم و جلوگیری از رخنه فساد

*۶. عدم و جلوگیری از رخنه رشوه

*۷. عدم و جلوگیری از رخنه اسراف

*۸. عدم نیاز به ورود دستگاههای نظارتی

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به وجود دستگاههای نظارتی از هر سه قوه، خطاب به هیأت دولت افزودند: «فساد همچون موریانه است، با قاطعیت و تدبیر جلوی رخنه فساد، پارتی بازی، رشوه و اسراف را بگیرید تا اصولاً نیازی به ورود دستگاههای نظارتی به حیطه مدیریتی شما، پیش نیاید».

د.

*۱. پاکی انسانی کارکنان و مسئولان دستگاههای اجرایی

*۲. شرفی و شرافت انسانی کارکنان و مسئولان دستگاههای اجرایی

*۳. جلوگیری از زیر سؤال بردن میکرب چند انسان ناسالم

رهبر انقلاب، کارکنان و مسئولان دستگاههای اجرایی را انسانهایی پاک و شریف برشمردند و افزودند: «وجود چند انسان ناسالم، متأسفانه مثل میکروب، زحمات و تلاشهای کارکنان خدوم دستگاهها را زیر سؤال می برد که باید جلوی این کار را گرفت».

پنجمین شاخص دولت مطلوب اسلامی *قانونگرایی

الف.

*۱. بازداری دولت از خروج از ریل قانون

*۲. عدم صدمه به کشور و مردم

*۳. واداری به قانونگرایی

حضرت آیت الله خامنه ای، قانونگرایی را از دیگر شاخصهای بسیار مهم دولت مطلوب دانستند و افزودند: «قانون، ریل حرکت دولت است و اگر به هر دلیلی از آن خارج شوید کشور و مردم، صدمه می بینند».

ب.

*۱. عدم ضرر عمل نکردن به قانون (ولو ناقص و معیوب)

*۲. نهادینگی قانونگرایی در همه دستگاهها

ایشان افزودند: «ممکن است برخی قوانین ناقص و معیوب باشد اما ضرر عمل نکردن به همین قوانین بیشتر از اجرای آنهاست بنابراین تلاش کنید قانون گرایی در همه دستگاهها نهادینه شود».

ج.

*۱. اجرای اسناد بالادستی

*۲. اجرای سیاستهای کلی نظام

*۳. اجرای سند چشم انداز

*۴. معتبر شناختن و عمل کردن بر اساس مصوبات شوراهای عالی

*۵. شورای عالی انقلاب فرهنگی

*۶. شورای عالی فضای مجازی

رهبر انقلاب اجرای اسناد بالادستی از جمله سیاستهای کلی نظام و سند چشم انداز را از لوازم قانون گرایی برشمردند و افزودند: «مصوبات شوراهای عالی از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی که بسیار مهم است باید معتبر شناخته و براساس آنها عمل شود».

د.

*۱. تحول (گرایی) نظام اداری

*۲. عدم تاخیر تحول نظام اداری

*۳. اجرایی سازی تحول نظام اداری

*۴. رعایت سیاستهای کلی تحول نظام اداری

رهبر انقلاب در همین زمینه، سیاستهای کلی تحول نظام اداری را نیز بسیار مهم خواندند و افزودند: «در اجرای این سیاستها متأسفانه تأخیر شده که باید آن را اجرایی کرد».

ششمین شاخص دولت مطلوب اسلامی * حکمت و خردگرایی

الف.

* ۱. حکمت گرایی

* ۲. خردگرایی

حکمت و خردگرایی ششمین شاخص مورد تأکید رهبر انقلاب در دیدار با آقای روحانی و کابینه وی بود.

ب.

* ۱. استفادت از ظرفیت خوب کارشناسان داخلی در همه زمینه‌ها و عرصه‌ها

* ۲. مطالعات کارشناسی (قبل از هر اقدام و اظهار نظر و موضع گیری)

* ۳. عدم تحمیل هزینه بسیار زیاد بر طرف کردن تبعات منفی کارهای ناپخته

* ۴. عدم تحمیل هزینه بسیار زیاد بر طرف کردن تبعات سخنان ناسنجیده

ایشان با توصیه مؤکد به دولت برای استفاده از ظرفیت خوب کارشناسان داخلی در همه زمینه‌ها و عرصه‌ها افزودند: «باید قبل از هر اقدام و حتی هر اظهار نظر و موضع گیری، مطالعات کارشناسی لازم انجام شود چرا که هزینه برطرف کردن تبعات منفی کارهای ناپخته و سخنان ناسنجیده بسیار زیاد است».

ج.

* ۱. تکیه بر ظرفیت درون زای کشور

* ۲. حل مشکلات با تکیه بر ظرفیت‌ها و امکانات داخل کشور

* ۳. بهره گیری خردمندانه از ظرفیت‌ها و امکانات داخل کشور

تکیه بر ظرفیت درون زای داخل کشور، نکته مهم دیگری بود که رهبر انقلاب توجه هیأت وزیران را به آن جلب و تأکید کردند: «کلید حل مشکلات در ظرفیت‌ها و امکانات داخل کشور است که باید با خردمندی از آنها بهره گرفت».

د.

* ۱. عدم امید بستن به خارج/غیر خودی (ولو دوست تا چه رسد به دشمن)

* ۲. عدم اعتماد به خارج/غیر خودی

* ۳. استفاده ابزاری از خارج

حضرت آیت الله خامنه ای در تشریح بیشتر ضرورت تکیه بر ظرفیت‌های درونی کشور افزودند: این حرف به معنای استفاده نکردن از ظرفیت‌های بیرونی نیست بلکه نکته اساسی این است که نباید به خارج امید بست و به آن اعتماد کرد».

هـ.

* ۱. عدم انتظار دوستی از جبهه خصم

* ۲. عدم انتظار صمیمیت از جبهه خصم

رهبر انقلاب با اشاره به جبهه دشمنان انقلاب افزودند: «واقعیت این است که از جبهه خصم، نمی‌توان و نباید انتظار دوستی و صمیمیت داشت».



۹.

- * ۱. اقتدار درونی کشور
 - * ۲. سهم کشور در مناسبات بین مللی
 - * ۳. روند اقتدار روزافزون داخلی کشور
 - * ۴. تلاش برای استمرار روند اقتدار روزافزون داخلی کشور
 - * ۵. تلاش برای تقویت روند اقتدار روزافزون داخلی کشور
- ایشان خاطرنشان کردند: «سهم هر کشور در مناسبات بین المللی به اقتدار درونی آن کشور وابسته است بنابراین باید تلاش کرد روند اقتدار روزافزون داخلی کشور، استمرار یابد و تقویت شود».

سوم. برآمد

رهبر انقلاب اسلامی در ادامه چند نکته را درخصوص اولویتهای اصلی دولت یازدهم متذکر شدند.

الف.

- * ۱. اولویت اصلی اول مسائل اقتصادی (در این مقطع ولی نه اصالت آنها):
(جهاد اقتصادی، حماسه اقتصادی، اقتصاد مقاومتی؛ رونق اشتغالزا)
 - * ۲. (اولویت اصلی دوم ولی اصیل تر) پیشرفت علمی
- حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به تازه نفس بودن اعضای دولت و در عین حال محدود بودن فرصتها و همتها تأکید کردند: «مسائل اقتصادی و پیشرفت علمی دو اولویت اصلی کشور هستند که باید مورد توجه و اهتمام ویژه قوه مجریه و همچنین قوای دیگر قرار گیرند».

ب.

- * ۱. زیرساختهای توسعه-توسعه زیرساختی
 - * ۲. ایجاد آرامش و ثبات ذهنی در مردم و بازار
 - * ۳. کاهش تورم
 - * ۴. تامین نیازهای اساسی مردم
 - * ۵. تحرک بخشی به تولید ملی
- (دستور کارهای فوری دولت)
- ایشان درخصوص مسائل اقتصادی به زیرساختهای خوب اقتصادی که ظرف ۱۰ سال گذشته در کشور ایجاد شده است اشاره کردند و افزودند: «با توجه به این زیر ساخت ها، باید ایجاد ثبات و آرامش ذهنی در مردم و بازار، کاهش تورم، تأمین نیازهای اساسی مردم و تحرک بخشیدن به تولید ملی در دستور کار فوری دولت قرار گیرد».

ج.

- * آغاز و زمینه سازی حماسه اقتصادی
- رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: «این اقدامات فوری، در واقع، آغاز حماسه اقتصادی است که در ابتدای سال بر آن تأکید شد».

د.

- * ۱. حرکت بلند مدت حماسی اقتصادی
- * ۲. انصاف طلبی
- * ۳. عدم توقع حل سریع همه مشکلات اقتصادی
- * ۴. انتظار حرکت به سمت حل مشکلات



* ۵. نگاه (و برخورد) حکیمانه

* ۶. نگاه (و برخورد) مدبرانه

حضرت آیت الله خامنه ای افزودند: «البته تحقق حماسه اقتصادی نیازمند حرکتی بلندمدت است و هیچ انسان منصفی از دولت توقع حل سریع همه مشکلات اقتصادی را ندارد ولی انتظار حرکت به سمت حل مشکلات با نگاه حکیمانه و مدبرانه، وجود دارد».

هـ

* ۱. اقتصاد مقاومتی

* ۲. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

* ۳. عدم اقتصاد ریاضتی

* ۴. اقتصاد مقاوم در مقابل بحران‌ها، جزر و مدهای بین الملل

ایشان با اشاره به بررسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در مجمع تشخیص مصلحت نظام گفتند: «اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصاد ریاضتی نیست بلکه اقتصادی است که بتواند در مقابل بحران‌ها و جزر و مدهای بین الملل مقاوم باشد».

و

* ۱. حرکت پر شتاب علمی

* ۲. عدم توقف حرکت پرشتاب علمی

رهبر انقلاب اسلامی همچنین به حرکت پرشتاب علمی که از ۱۰ سال پیش آغاز شده است، اشاره و تأکید کردند: «این حرکت پرشتاب علمی به هیچ وجه نباید متوقف شود».

ز

* ۱. تکیه بر علم

* ۲. کلید اصلی علمی حل مشکلات اقتصادی کشور

* ۳. تکیه اقتصاد بر پیشرفت علمی

* ۴. تکیه اقتصاد بر شرکت‌های دانش بنیان

* ۵. دوری از فروش نفت: تبدیلات نفتی، معدنی و صنعتی

* ۶. دوری از خام فروشی: صدور کالایی و بویژه خدمات فنی و مهندسی

حضرت آیت الله خامنه ای کلید اصلی حل مشکلات اقتصادی کشور را تکیه بر علم دانستند و افزودند: «در زمینه اقتصاد، تکیه بر پیشرفت علمی و شرکت‌های دانش بنیان، قطعاً از فروش نفت و خام فروشی‌ها بسیار پرسودتر خواهد بود».

ح

* ۱. تولی اصلی حرکت علمی کشور

* ۲. خدمات زمینه سازی استفادات از پیشرفتهای علمی دانشگاه‌ها و مراکز علمی

* ۳. دوچندانی تحرک علمی دانشگاه‌ها

رهبر انقلاب اسلامی، وزارت علوم و فناوری، و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را دو متولی اصلی حرکت علمی کشور دانستند و افزودند: «وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های خدماتی همچون وزارت صنعت، تجارت و بازرگانی و وزارت جهاد کشاورزی باید با همکاری نزدیک با دو متولی اصلی، زمینه استفاده از پیشرفتهای علمی دانشگاه‌ها و مراکز علمی را بوجود آورند و تحرک علمی دانشگاه‌ها را دو چندان کنند».

ط.

- * ۱. حمایت از شرکت‌های دانش بنیان
 - * ۲. تکمیل زنجیره علم و فناوری در حرکت علمی کشور
- حضرت آیت الله خامنه ای، با توصیه مؤکد به دولت برای حمایت از شرکت‌های دانش بنیان، خاطرنشان کردند: «یکی از موضوعات مهم در حرکت علمی کشور، تکمیل زنجیره علم و فناوری است».

ی.

- * تکمیل زنجیره ایده و فکر، علم و فناوری و تولید و بازار
- ایشان در تشریح این زنجیره، افزودند: «این زنجیره از ایده و فکر شروع می‌شود و سپس به علم و فناوری می‌رسد و در نهایت به تولید و بازار منتهی می‌شود، بنابراین رسیدن به فناوری صرف کافی نیست بلکه این زنجیره باید تا انتها تکمیل شود».

ث.

- * ۱. عزت طلبی خارجی
 - * ۲. حکمت خیزی خارجی
 - * ۳. مصلحت اندیشی خارجی
 - * ۴. سیاست خارجی طراز جمهوری اسلامی
- رهبر انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع سیاست خارجی اشاره کردند و تأکید کردند: «اگر در این عرصه، عزت، حکمت و مصلحت بدرستی فهم و اجرا شود، سیاست خارجی در طراز نظام جمهوری اسلامی خواهد شد».



در یک جمع بندی نهایی:

این راهنمودهای راهبردی بدون تحول علمی و علوم بویژه علوم انسانی و اجتماعی و سیاسی و نظریه پردازی بهینه و بسامان در جهت توسعه متعالی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی چشم انداز فرازآینده جمهوری اسلامی ایران میسر نیست. آنهم تنها با ارتقای کارایی نیروها و کارآمدی؛ بهره وری و اثربخشی جهادی که برترین چالش فرا روی همگی نیروها و نهادهای علمی، راهبردی و اجرایی دولتی، عمومی و مدنی کشور بوده، دست یافتنی است. توسعه متعالی جمهوری اسلامی ایران در جهت تجدید و تاسیس تمدن نوین اسلامی، که تنها و تنها با الگوی جهادی تحقق پذیر می‌باشد.

انشاء الله

گفتار کوتاهی از متخصص و دانشمند شیعه لبنانی دکتر محمد جلال محفوظ درباره جهادسازندگی در ایران:

- در ابتدای انقلاب و دوران دفاع مقدس بوسیله امام و شهداء در جهاد سازندگی آن موقع ریلی گذاشته شد که اگر میرفتیم و ادامه می دادیم خیلی مسائل را حل می کرد ولی متأسفانه ما با آن مثل مکانیک های ناشی عمل کردیم. مکانیکی که از یک دستگاه سر در نمی آورد، هر قسمت ماشین که خراب می شود، بجای تعمیرش، و بجای اینکه بگوید من نمی فهمم، آنرا باز می کند و دور می اندازد! میگوید این بدرد نمی خورد یا کار با آن سخت است پس بگذارش کنار. آن سیستم و سازمانی را که امام و شهدا درست کرده بودند، و در سال ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ در جهاد سازندگی برای ما به ارث رسیده بود جزو ارکان ابتدائی تمدن بزرگ و جدید اسلامی بود و این شکلی نبود که الان داریم. ولی ما هم مثل آن مکانیک ناشی، تکه تکه از آن برداشتیم و وقتی آن را ناقص یا خراب کردیم گفتیم: کار نمی کند! و برگشتیم و گفتیم بالاخره اینکه غربی ها دارند باز بهتر از آنکه کار نمی کند است! این ضایع کردن بدست خود جهادی ها بتدریج بعد از شهادت شهید بهشتی و رفتن شهید رضوی از پ.م.ج.ج روی داد.

- ما راهی نداریم در اقتصاد بجز اینکه همان فکری که در فرهنگ نظامی خود داشتیم و پیروزی آورد حالا باید در فرهنگ اجتماعی- اقتصادی هم برای پیروز شدن بیاوریم.

- مهندس ها هم باید مثل نظامی ها سپاه جهاد درست کنند.

- مهندس جهادی، جهادش در سازندگی است شهادتش هم در سازندگی است. نه ساختن ساختمان بلکه ساختن یک الگوی نمونه جدید الهی. باید یک نمونه جدید الهی بدنیا بیاورید. همانطور که اگر مادر در موقع تولد فرزندش بمیرد شهید است، این نمونه هم مانند آن فرزند باقی می ماند و تا آخرت با اوست. مهندس جهادگر واقعی این نمونه را متولد می کند ولی خودش می میرد و از آن در دنیایش استفاده نمی کند. او شهید است او عمر را گذاشته، سختی کشیده، عمر و سلامتی اش را داده- گرسنگی کشیده ولی پیروز شده.

اولین قدم جهادی شدن این است که به هیچ چیزی اتکا نکند آلا خدا و دل به هیچ حمایتی نبندد آلا او و در مشی و سبک زندگی خود ساده زیستی را حفظ کند زیرا این خطر بزرگی است که مدیران جهادی را تهدید کرده و خیلی آرام می لغزاند. مقاله زیر به منظور شناخت مدیریت جهادی با ضد آن، به عنوان یک نقطه نظر می تواند مورد توجه فرهیختگان عزیز جهادی قرار گیرد. مدیر مسئول

مدیریت جهادی

مدیریت اشرافی

دکتر عبدالله گنجی*



با مختصات و شرایط بومی ایران نقطه‌ای را در مقابل مدیریت جهادی طرح نماییم، قطعاً آن مدیریت «مدیریت اشرافی» خواهد بود. مدیریت اشرافی چیست؟ مدیریت اشرافی با «مدیریت اشراف» متفاوت است. مدیریت اشراف مربوط به طبقه‌ای است که از جهت مادی دارای تمکن بالا هستند و ریخت و پاش‌های گسترده‌ای در حوزه شخصی خود دارند و از جهت سبک زندگی در ترازوی فراتر از میانگین جامعه خویش زندگی می‌کنند. اگر به سبک زندگی آنان نگاه کنیم، مفهوم اشرافیت را کاملاً لمس می‌کنیم، اما منظور از مدیریت اشرافی الزاماً به معنی این دسته یا حاکمیت طبقه اشراف نیست. مدیریت اشرافی مقوله دیگری است. به زعم نگارنده مدیریت اشرافی آن است که ما با جیب بسیار پر و خزانه عالی کشور را اداره نماییم. بدین معنی که همه امکانات و پول کشور را به صورت وافر در اختیار بگیریم سپس به کار مشغول شویم و خود را نیز موفق معرفی نماییم. اما مدیریت جهادی یعنی با حداقل امکانات به حداکثر کار و تلاش دست یابیم. کمبودها را با تلاش مضاعف، تغییر در اولویت‌ها، تمرکز منابع، گذشت از حق خویش و خویشان به پیش ببریم.

تعمیم جهاد به عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی یکی از مهمترین عرصه‌های تولید مفاهیم در انقلاب اسلامی است، مزین شدن مقولات به واژه «جهاد» هم شاخص انقلابی‌گری را در خود دارد و هم بر کارآمدی تاکید می‌کند.

مدیریت جهادی یکی از این مفاهیم است. شأن نزول و شرایطی که منجر به طرح مدیریت جهادی شد از نگاه جریان‌های مختلف، متفاوت است. برخی آن را متناسب با شرایط و نیاز کشور می‌دانند و برخی آنان را به مختصات و ویژگی‌های جریان حاکم بر دولت ارجاع می‌دهند. طرح مدیریت جهادی به صورت طبیعی این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که نقطه مقابل آن چیست؟ نوع مدیریت دیگری که آن را نمی‌پسندیم و کشور را به مدیریت جهادی ارجاع می‌دهیم، چیست؟ تعارض و چالش مدیریت جهادی با کدام مدیریت است؟ شاید در نگاه اول این مسئله به ذهن برسد که مدیریت جهادی نقطه مقابل «مدیریت کلاسیک» است که در کتاب‌ها و رشته مدیریت طرح می‌شود.

مثل «مدیریت مشارکتی»، «مدیریت آمرانه» و... اما اگر بخواهیم



یکی دیگر از شرایط تحقق مدیریت جهادی ورود جوان‌ترها به عرصه‌های اجرایی و عملیاتی کشور است. معنی این حرف به کارگیری یک جوان ۲۰ ساله به عنوان وزیر نیست اما یک مدیریت ۴۰ ساله در میدان جهاد بهتر از یک مدیر ۷۰ ساله می‌تازد.

اکنون به مفهوم مدیریت اشرافی و مدیریت جهادی که در بدو این نوشتار آورده شده برگردیم. آیا از وضعیت موجود مدیریتی کشور می‌توان توقع مدیریت جهادی داشت؟ رئیس جمهور محترم و وزرا به صورت مستمر به تدابیر مقام معظم رهبری لبیک می‌گویند و حتماً علاقه‌مند به تحقق فرامین هستند. اما آیا شرایط تحقق فرامین را در جغرافیای وظایف خود هموار می‌بینند؟ اگر در عمل اتفاقی نیفتد و همچنان دولت ما منتظر وصول پول‌های کلان برای اداره کشور باشد از مدیریت جهادی دور شده‌ایم. مدیریت جهادی خلاصه این جمله معروف امام است که «لازمه انقلابی بودن، تحمل سختی‌هاست»، تحملی که ملت ایران را در نگاه امام برتر از ملت رسول الله در عهد حجاز و ملت امیرالمؤمنین در کوفه معرفی کرد. این تحمل انقلابی امروز در مدیریت کشور لازم است. نقد مدیریت اشرافی معمولاً در دستور کار جریان‌های انقلابی - دانشجویی نیست. ورود به نقد گفتگویی این سبک مدیریتی می‌تواند

مدیریت اشرافی آن است که ما با جیب پُر و خزانه عالی کشور را اداره نماییم. بدین معنی که همه امکانات و پول کشور را به صورت وافر در اختیار بگیریم، به کار مشغول شویم و خود را نیز موفق معرفی نماییم. اما مدیریت جهادی یعنی با حداقل امکانات به حداکثر کار و تلاش دست یابیم. کمبودها را با تلاش مضاعف، تغییر در اولویت‌ها، تمرکز منابع، گذشت از حق خویش و خویشان به پیش ببریم.

به دو قطبی مدیریت جهادی - اشرافی منجر شود که ماحصل آن ارزش گذاری مثبت بر مدیریت جهادی توسط توده و تبدیل آن به گفتمان غالب خواهد شد.

پی‌نوشت:

*. به نقل از وب سایت شخصی دکتر عبدالله گنجی

شرایط مدیریت جهادی تلقی میدان جهاد از وضعیت عمومی کشور است و تا میدان جهاد متصور نباشد، مدیریت جهادی هم قابل فهم و اعمال نیست. از همین جا است که می‌توان گفت افرادی که انقلاب اسلامی را یک پروژه تمام شده می‌دانند و با تبدیل آن به نهاده، صرفاً به جمهوری اسلامی فکر می‌کنند نمی‌توانند مدیریت جهادی نمایند، زیرا وضعیت فوق العادگی کشور را باور نمی‌کنند یا نمی‌خواهند تفسیری اینگونه از آن ارائه دهند. اعتقاد به تحول در مفهوم جهاد از دیگر شروط مدیریت جهادی است. کسانی که جهاد را صرفاً به بدیل‌هایی مانند بدر، خیبر، حنین، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، کربلای ۵ و والفجر ۸ ارجاع می‌دهند، قطعاً تحول در مفهوم جهاد و

تعمیم آن به عرصه سیاست و فرهنگ و اقتصاد را نپذیرفتند که اگر اهل حوزه باشند می‌توان آنان را به عدم درک از «فقه پویای شیعه» متهم نمود. مدیران جهادی کسانی هستند که به تعبیر امیرالمؤمنین(ع) کمترین خرج را برای حکومت اسلامی و بیشترین نفع را برای جامعه مسلمین دارند. کسانی را به همکاری می‌گیرند که کم توقع و پرکار باشند. در عین برنامه‌ریزی و کار کارشناسی اسیر بروکراسی‌های خانمان‌سوز

نمی‌شوند. با ریخت و پاش کلان به اتمام یک پروژه افتخار نمی‌کنند. عمل جهادی شان صرفاً در مقابل دوربین‌ها نیست. تا یک تراوش ذهنی، ایده یا پیشنهادی را اخذ می‌کنند به عنوان خبر آن را به رسانه سرازیر نمی‌کنند. مدیریت جهادی خروجی عینی، کم هزینه و پرمفعت دارد. قله مدیریت جهادی اثبات کارآمدی اسلام در عرصه سیاسی - اجتماعی و اقتصادی است. کارآمدی مذکور سپس به الگویی منطقه‌ای و جهانی تبدیل خواهد شد و الهام بخشی خود را به رخ گفتمان غالب (غرب) خواهد کشید.

در جهاد سازندگی و بخصوص در پ.م.ج.ج. به صورت فطری و خودجوش روش متفاوت و غیرمنطبق و با متدولوژی های متداول روز، توسط نیروهای جهادی - بخصوص شهدای جهاد - حتی در حد سعی و خطا، برای حل مشکلات بکار گرفته می شد که روی هم رفته دانشمندان و محققین آن را موفق ارزیابی کرده اند. در حالی که متدولوژی (منطق) خاص آن مدیریت در آن زمان تدوین نشده و در اختیار آن جهادگران نبود. منطق یا «روش» چه به منظور دستیابی به یک قانون یا معادله یا ابزاری برای بهره‌وری از طبیعت به کار رود و چه در معنایی عام‌تر به منظور «هماهنگ‌سازی»، در هر دو حال در بحث مدیریت و مدیریت جهادی به عنوان یک مفهوم پایه‌ای مطرح است.

مدیر مسئول

سؤال و جوابی با سیدمنیرالدین حسینی

فلسفی روش

قسمت اول

مقدمه و توضیح ضروری:

شکی نیست که انقلاب اسلامی سرآغاز تحولی نوین در تفکر اجتماعی معاصر بوده است. از معدود مجموعه‌های فکری که برای تبیین نظام فکری - فلسفی و منطقی این انقلاب به تولید «علم» توفیق یافته، فرهنگستان علوم اسلامی در قم بوده است که در تبیین فلسفه «نظام ولایت» و منطق استخراج احکام مورد نیاز حکومت اسلامی کارهای پایه‌ای انجام داده است. کل عمر اندیشه فلسفه «نظام ولایت» حدود سه دهه است. در حوالی نیمه دوم دهه هفتاد پایه‌های اصلی پروژه «روش» در این مسیر نیز به وسیله بنیانگذار فقیه دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم ارائه شده است. مخاطب این مطلب کسانی هستند که اگر چه اندیشه نظام ولایت را به صورت جسته و گریخته و پراکنده بشناسند، اما به مفهوم «متدولوژی» حساس باشند.

اندیشه نظام ولایت مثل یک شهر است که درون یک دره واقع شده است. از روی هر کدام از کوه‌های متعدد اطراف می‌توان کل شهر را دید. منظره‌ای که از روی این کوه‌های مختلف دیده می‌شود از این نظر که کل شهر را نشان می‌دهند با آن کوه دیگر تفاوت نمی‌کند اما روشن است که منظره‌ای که با نگاه از کوه شمالی شهر دیده می‌شود غیر از منظره‌ای است که از بالای کوه جنوبی دیده می‌شود. نسبت روش و فلسفه نیز چنین نسبتی است. این سلسله گفتارها نگاه به همه اندیشه «نظام ولایت» است اما از منظر روش. این سلسله مطالب، که از این شماره خبرنامه به بعد تقدیم جهادگران فرهیخته کانون می‌شود، شامل گفتارهایی است که پیرامون فلسفه روش از زبان متفکر این اندیشه طرح بحث می‌نماید. باید در مطالعه مطالب توجه شود که اصطلاحاتی که در گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرد جزئی از منظومه وسیع اصطلاحاتی است که در جریان تکامل اندیشه طی بیست سال تلاش و هزاران ساعت مباحثه تیم‌های پژوهشی تولید شده است و در این مقدمه مجال پرداختن به آنها نیست.

نسبیت گرایی الهی جلسه اول

منطق، متدولوژی، روش؛ مشکله‌ی امروز ایران:

علامه حسینی(ره): ابتدائاً باید مشخص شود مفهوم روش شامل چه اموری است و در چه مواردی بکار می‌رود؟

گاهی «روش» جهت دستیابی به یک قانون یا معادله یا ابزاری برای بهره‌وری از طبیعت بکار برده می‌شود و گاهی نیز در معنایی عام‌تر، کار اصلی روش - یا همان منطق و متد - «هماهنگ‌سازی» است؛ پس اگر دامنه و گستره تنوع این هماهنگ‌سازی به گونه‌ای باشد که بتواند کلیه رفتارهای جامعه - اعم از توصیف‌های نظری محض تا

توصیف‌های کاربردی محض - را در همه سطوح بر عهده گیرد، آنگاه می‌توان توقع داشت که محصول آن «بهنجاری» جامعه در تمام سطوح ارتباط باشد. به بیان دیگر اگر موضوع روش، ایجاد ابزار هماهنگ‌سازی باشد، محصول یا هدف آن بهنجاری اجتماعی در جریان توسعه می‌باشد.

کسی که دارای چنین نگاهی باشد ناهنجاری‌های موجود در جامعه ایران را از تقابل دو منطق و روش ناشی می‌داند؛ تقابل منطق «انتزاعی» و «مجموعه‌ای»! گروهی به «ارزش»‌ها گرایش دارند و در عقلانیت ارزش‌های مذهبی نیز از روشی به نام «منطق صوری» که یک منطق انتزاعی است بهره می‌برند. نحوه کار این گونه است که «مابه‌الاشتراک» موضوعات مختلف اخذ می‌شود و نام آن را «جنس» قرار می‌دهیم و سپس مابه‌الاختلاف اخذ می‌گردد و نام آن «فصل» گذاشته می‌شود. سپس از ترکیب جنس و فصل «نوع» را می‌سازیم. در گام بعد یک ساختمان نظری خاص برای شناخت و توصیف هستی می‌سازیم و بر پایه آن منابعی را تعریف می‌کنیم. حال مجدداً به دسته‌بندی و پردازش منابع - که حاصل کارشناسی اولیه در هستی‌شناسی هستند - به اضافه آن چه که جامعه در اختیار قرار می‌دهد مشغول می‌شویم تا به یک سلسله «شایست و ناشایست» و یا «باید و نباید»‌های کلی دست پیدا کنیم. به بیان دیگر یک «نظام توصیف» و یک «نظام تکلیف» و یک «نظام ارزش» را تنظیم می‌کند. اما چون این منطق مابه‌الاشتراک را جداجدا و از راه انتزاع ملاحظه می‌کند تنها متکفل نسبت‌های «آدرس‌بندی» است و طبقه‌بندی را در شکل آدرس درختی تنظیم می‌کند و نمی‌تواند طبقه‌بندی نسبت

بین اوصاف در مسیر تغییر و تکامل را ملاحظه نماید. پس منطقی نیست که بتواند از «چگونگی» تغییر تحلیلی ارائه دهد، بلکه از «چرائی» و «چیستی» سخن می‌گوید.

اما منطق دیگری نیز وجود دارد که بیانگر چگونگی «تبدیل» در

اما چون این منطق مابه‌الاشتراک را جداجدا و از راه انتزاع ملاحظه می‌کند تنها متکفل نسبت‌های «آدرس‌بندی» است و طبقه‌بندی را در شکل آدرس درختی تنظیم می‌کند و نمی‌تواند طبقه‌بندی نسبت بین اوصاف در مسیر تغییر و تکامل را ملاحظه نماید. پس منطقی نیست که بتواند از «چگونگی» تغییر تحلیلی ارائه دهد، بلکه از «چرائی» و «چیستی» سخن می‌گوید.

مجموعه سازی است. این منطق نسبت بین:

۱- تعیین متغیرها؛

۲- ساده کردن اوصاف متغیرها

۳- نسبت بین اوصاف و متغیرها

را ملاحظه می‌کند و مدلی برای شناسایی (پیش‌بینی، هدایت و کنترل) تغییرات شیء متغیر «خارجی» ارائه می‌دهد.

در جهان امروز و از جمله جامعه ما متدولوژی علوم توسط چنین منطقی ارائه شده است، اما مطلقاً بریده از دستگاه منطق قبلی است. طبیعی است، جامعه‌ای که با دو منطق کار می‌کند و راهی برای هماهنگی و یکپارچه کردن نسبت بین این دو منطق ندارد، در رفتار اجتماعی آن اختلاف و اختلال بوجود بیاید. آنچه در محصولات منطق انتزاعی - از محصولات اولیه تا نهای آن - وجود دارد، التزام یا اعتقاد به یک سری کلیات است؛ چه «توصیفی»، چه «دستوری» و چه «ارزشی»، که در مبانی خود منطقاً از «عینیت» بریده شده‌است. اما منطق مدل سازی دارای پیش‌فرض‌های حسی، نسبت‌های حسی - یا لاقط مفروض نسبت به حس - و در پایان نیز پیش‌بینی، کنترل و هدایت حسی است. منطق یا مفاهیم سازه آن نیز نسبت بین اوصاف و نسبت بین متغیرها را ملاحظه می‌کند.

بنابراین این دو متدولوژی، منطقاً با یکدیگر هماهنگ نیستند؛

کارآمدی اجتماعی - کارشناسی - به دست منطق حسی

تجربی است اما رفتار گروهی - و البته نه رفتار سازمانی -

به وسیله منطق التزامات کلی و انتزاعی، انجام می‌پذیرد.

دانش استدلالی شدن فقه - نیز وجود دارد. البته در «توصیف، تکلیف و ارزش» متن استدلال از دین اخذ می‌شود^۱، ولی در خود موضوع و اجزاء آن نیز استدلال را می‌پذیرد.

بنابراین بر خلاف مذهب در اروپا، اعتقادات شیعه عقلانیت را از مذهب جدا نمی‌داند. جدایی مذهب از عقلانیت مسیحی باعث شد که به محض تغییر در زیباشناسی جامعه اروپایی، به سرعت فلسفه نیز دستخوش تغییر شود و دستگاه کلیسا ز رو به فرو رود. اما وقتی در ایران تکنولوژی نه فقط با هنر خود، بلکه با اندیشه و کارآمدی^۲ خود ظاهر شد و اشکالاتی را پدیدار کرد، عده کثیری را در صدد نقد، حل و پاسخگویی به آن اشکالات برآورد، که نمایندگان اصلی آن تلاش را می‌توان مرحوم علامه آقای طباطبایی (ره) و تا حدود زیادی نیز آقایان شهید صدر (ره) و شهید مطهری (ره) دانست. اما امروز می‌خواهیم از مرحله پاسخگویی جلوتر برویم. پس نیاز به منطق هماهنگی داریم، چرا که ظرفیت مذهب تشیع تا حدی است که به این سادگی قابل حذف نیست و تابع شدن نسبت به شرایط و محصولات آن را نمی‌پذیرد. شیعه در همه امور تعقل را به رسمیت می‌شناسد.

اما در مرحله‌ای که دین حکومت را بدست گرفت، برخی نگرش‌ها سعی می‌کنند متد حسی را راهبرد اداره قرار دهند و دین را حسی توجیه کنند. این نگرش‌ها نیز از نظر سابقه تاریخی تازگی ندارد و اگر به اسناد بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ نگاه شود، به صورت

در مسیحیت نه در اصول اعتقادی و نه در فروع اعتقادی اجازه تعقل داده نمی‌شد، حتی دانشی مثل فلسفه نیز ابتداً پذیرفته نمی‌شد و دین را مجموعه عواطفی می‌دانستند که نباید تردید، گمانه، استدلال و حتی برهان در آن راه پیدا کند.

گسترده‌ای در نشریات آن زمان دیده می‌شود. اما مسئله مهم آن است که متد حسی نتوانسته در حوزه‌های علمیه جایی پیدا کند، چرا که هر تغییری که ریشه‌های منطقی طرف مقابل را هدف قرار ندهد، نمی‌تواند بر روش اندیشه طرف مقابل غلبه و در آن نفوذ کند. اما اگر منطقی توانست هم تکامل حجیت^۳ در اعتقادات را به دست گیرد، هم کارآمدی و راندمان عینی را تحویل دهد خواهد توانست هدایت و کنترل عینیت را بدست گیرد، پس از این به بعد معادله بهره‌وری از جهان ماده را از او خواهند خواست. پس در برابر چالش موجود در ایران مانع بزرگی قرار گرفته است و

به بیان دیگر منطقی که التزام و اعتقاد را ایجاد می‌کند، اداره عمل را به عهده ندارد، بلکه اداره عمل را به عهده منطق دیگری گذارده است، پس طبیعی است که در چنین جامعه‌ای اختلاف و ناهنجاری بوجود آید. البته فراموش نکنید که برای حل این مشکل به راحتی نمی‌توان ادعا کرد که یکی از این دو منطق باید به نفع دیگری حذف شود.

منطق هماهنگی بر پایه نسبیت الهی!

با توجه به تقابل این دو منطق، ضرورت پیدایش منطقی که قدرت فراگیری کلیه موضوعات «اعتقادی، نظری و عینی» را داشته باشد و بتواند هماهنگی جامعه را متکفل شود، به عینه مشاهده می‌شود. درگیری مذهب و متدولوژی علوم غربی بیش از صد سال است که به ایران نیز کشیده شده است و اکثر نهضت‌های مذهبی که در این سده به وجود آمده و قابل مشاهده است نیز چالش‌ها و عکس العمل‌های بین این دو دستگاه منطقی است.

در ایتالیا ابتدا نقاشی - یعنی ساده‌ترین وجهه زیباشناسی - تغییر پیدا کرد. ساده‌ترین وجهه را برای این می‌گویم که آنها پیگیر تغییر نظام ارزشی در پیچیده‌ترین انعکاس‌هایش نشدند، بلکه همان عواطف موجود در محیط اجتماعی، گمانه‌های جدید زیبایی شناسانه را طرح کرد و باعث شد که نظام ارزشی کلیسا فرو ریخت. در مسیحیت نه در اصول اعتقادی و نه در فروع اعتقادی اجازه

تعقل داده نمی‌شد، حتی دانشی مثل فلسفه نیز ابتداً پذیرفته نمی‌شد و دین را مجموعه عواطفی می‌دانستند که نباید تردید، گمانه، استدلال و حتی برهان در آن راه پیدا کند.

این نگرش بر خلاف مذهب شیعه است که قبول اصول اعتقادات را به صورت تقلیدی یک نقص می‌داند و اعلان می‌کند که حتماً باید آن را با استدلال - البته استدلال متناسب با ظرفیت هر شخص - قبول کرد

و برای آن برهان داشت. حتی بالاتر از این، شیعه معتقد است که هیچ موضوعی نیست که اجازه استدلال در آن حذف شود، حتی در اصول اعتقادات نیز می‌توان وارد «منطق» آن شد و استدلال کرد. در مکتب ما اجازه استدلال در ایجاد «گمانه، گزینش، پردازش»، یا در ایجاد احتمال (فرضیه سازی) و تطرق احتمالات و نسبت و تناسب، در به وحدت رساندن کثرت احتمالات و به نتیجه رساندن آن وجود دارد.

این نحوه برخورد در فروع اعتقادات و دانش اصول فقه - یعنی

بر خلاف مذهب در اروپا،

اعتقادات شیعه

عقارنیت را از مذهب

جدا نمی‌داند.

جدایی مذهب از عقارنیت می‌باید

باعث شد که به محض تغییر در

زیباشناسی جامعه اروپایی،

به سرعت خلفه نیز دستخوش تغییر شود

و دستگاه کلیه از رو به ضرورت.

آن هم سخت بودن دسترسی به راه حل است، چرا که هماهنگی جامعه منوط بر این شده است که جهان و تمدن جدیدی برای دانش پی‌ریزی شود، در حالی که در نگاه اول دسترسی به این فرضیه غیر مقدور و یا حتی دست‌نیافتنی است!

حال باید با گذر جامعه از این گردنه سخت راه حلی ارائه داد. اولین کاری که باید کرد این است که نگاه مان به روش را مشخص کنیم که اگر منطق «روش شناخت» است، آیا در پی ایجاد یک «تطابق یقینی» است و یا تولید «تعاریف کاربردی»؟ اگر امر دایر بر انتخاب یکی از این دو باشد، کدام یک بر دیگری ترجیح دارد؟ قطعاً تعریف کاربردی مقدم است و الا فرض پیدایش تئوری جدید ممکن نیست. اصولاً ایجاد مدل جدید به معنای ارائه تعاریف کاربردی جدید است، تعاریفی که این امکان را می‌دهد که هیچ‌گاه یک شخص در اصل «تعین» به مشکل بر نخورد تا لازم باشد در عالم علم سخن از کشف واقع براند.

اگر فلسفه روش در تعامل با فلسفه شناخت‌شناسی، «نسبی» بودن تعریف شناخت را حکم کند، آنگاه می‌توان ادعای وجود «نسبیت مذهبی» را نیز نمود. البته نسبیت مذهبی به معنای تبعیت از «حس» نیست، بلکه «کارآمدی» تعاریف مذهبی نسبی شود، یعنی کارآمدی آن تعاریف در تولید ابزارها و معادلات عینی، باعث نسبی شدن صحت این تعاریف خواهد بود.

اگر در ابتدای بحث به ضرورت ایجاد روش هماهنگ‌ساز اشاره کردیم، در این چند جمله اخیر نیز به صورت خیلی ساده و کلی «موضوع» این روش جدید مشخص شد.

خانواده کثر خوارزمی: مایل هستم تا از این «نسبیت مذهبی»

بیشتر بدانم. محدوده نسبیت مذهبی تا کجاست؟

علامه حسینی(مر): نسبیت مذهبی باید بتواند کلیه مسائل و نیازمندی‌های توسعه جامعه را در بر گیرد، یعنی:

۱- هیچ نیاز اجتماعی و یا فردی در جریان تکامل ایجاد نمی‌شود الا اینکه داخل در دایره نسبیت مذهبی باشد. نسبیت مذهبی باید تمام موضوعات و تنوع آنها را فرا گیرد و الا نمی‌تواند هماهنگ‌سازی را بر عهده گیرد.

۲- نیاز و ارضاء جامعه باید در عین مناسبات (همیشه در حال تغییر) مراحل تکامل، قدرت حفظ «وحدت در جهت»^۴ را نیز داشته باشد، بنابراین این نسبیت در جامعه نیازهای خاصی را ایجاد می‌کند و به ارضاء آن نیز می‌پردازد.

امروزه نیاز و ارضاء جوامع را نظام سرمایه‌داری به عهده دارد، نظامی که در ارتباط میان انسان و جهان، «بهره‌وری ماده» را اصل قرار می‌دهد. مثلاً از رقابت آزاد سخن می‌گویند، اما فقط آپتیمومی که نظام کارشناسی سرمایه‌داری تنظیم می‌کند اینگونه است که اگر سرمایه به آن گونه گردش نداشته باشد ورشکست خواهد شد و بدون انباشت سرمایه نیز توسعه و پیشرفت تکنولوژی ممکن نخواهد بود، لذا رقابت‌ها داخل یک چارچوب منطقی بسته و به نحوی هماهنگ می‌شود که چیزی باعث تضعیف تمرکز سرمایه نشود. حتی بالاتر از این، سفارشات تولید دانش و حتی هنر را نیز بگونه‌ای به دست می‌گیرد که نتیجه آن قابل مصرف شدن حساسیت‌های جامعه برای توسعه سرمایه باشد. چرا که هر گاه تحقیق به صورت سازمانی - و نه فردی - انجام شود، در پس آن

۱۱

در مرحله‌ای که دین

حکومت را بدست گرفت،

برخی نگرش‌ها سعی می‌کنند

متد حسی را راهبرد اداره قرار دهند

و دین را حسی توجیه کنند.

این نگرش‌ها نیز

از نظر سابقه تاریخی تازگی ندارد

۱۱

هیچ نیاز اجتماعی و یا فردی در جریان تکامل ایجاد نمی‌شود الا اینکه داخل در دایره نسبیت مذهبی باشد. نسبیت مذهبی باید تمام موضوعات و تنوع آنها را فرا گیرد و الا نمی‌تواند هماهنگ‌سازی را بر عهده گیرد.

تعریف و تولید ابزار آن فعالیت می‌کنند و مدیران سطوح مختلف اجتماعی هم خریداران آن هستند؛ حال چه این مدیر در کنگره و مجلس نمایندگان فعالیت کند، چه در شرکت‌های بزرگی همچون جنرال موتورز.

پی‌نوشت‌ها:

۱. البته اولاً صحت متن دینی باید قبلاً اثبات شده باشد تا بتوان در آن به استدلال پرداخت و ثانیاً در عمل استدلال نیز توصیف حسی - یعنی دین را وسیله ترجمه ثمرات علوم قرار دادن - مردود است.
۲. یعنی با دانشگاه و با اداره عینیت
۳. تکامل یعنی گسترش فراگیری نسبت به تنوع موضوعات که برهاناً از این منطق بر می‌آید.
۴. وحدت جهت نیز به معنای جهت تعبد است.
۵. یعنی دستگاه‌های تمرکزی

ادامه این مطلب را در شماره آینده ملاحظه فرمایید.

یک سفارش تولید و سپس سرمایه، امکانات و بودجه می‌خواهد و این بودجه را در نظام سرمایه‌داری شرکت‌های بزرگ سرمایه‌داری تامین می‌کنند. حتی بالاتر از این، باید گفت نه فقط ارضاء نیاز، بلکه توسعه نیازمندی‌ها در ارتباطات اجتماعی و هنر نیز در اختیار سرمایه قرار می‌گیرد، یعنی تحقیقاتی که در علوم هنر، ارتباطات و مدیریت صورت می‌گیرد، همه در خدمت سفارشات سرمایه قرار دارد.

خانم دکتر خوارزمی: یعنی همه فرآیند تولید دانش، هنر، تکنولوژی و روش؟

علامه حسینی (ره): در نظام سرمایه‌داری حتی «عشق» نیز همچون بنزین در توسعه کارخانه مصرف می‌شود. عاطفه اجتماعی قابل مصرف و برنامه ریزی است و این یعنی قرار گرفتن انسان در منزلت «شیء». آنگاه اگر کسی انسان شیء شده را مشاهده کند، سخن گفتن از دموکراسی مضحک نیست؟!

به عنوان مثال در هر جای اروپا کسی که اعتبارات اقتصادی - چه پول و یا کارت اعتباری - داشته باشد، آن را در بانک قرار می‌دهد. زنجیره بانک‌ها هم تا بانک مرکزی ادامه پیدا می‌کند. بانک مرکزی نیز - چه به صورت خصوصی اداره شود یا دولتی - فقط حافظ قدرت اعتبار این پول در برابر ارزهای دیگر است و یک سیاست‌گذاری برای چاپ اسکناس نیز مافوق او وجود دارد. هر سپرده‌ای که در بانک‌ها گذاشته می‌شود در پس آن سیاست‌گذاری وجود دارد چرا که اعتبارات، پشتوانه اصلی شرکت‌ها^۵ هستند. آنها نیز به نوبه خود از دو مسیر، تمرکز خود را ایجاد می‌کنند، یکی از راه فروش سهام در بازار بورس و دیگری از راه بانک. پس این مدیریت بر تمرکز جریان اعتبارات اقتصادی است که سفارشات اصلی تولید را ارائه می‌دهد؛ نه فقط تولید محصول، بلکه تولید دانش و حتی تولید عاطفه اجتماعی! معنای «تولید عاطفه» نیز این است که اگر مردم بخواهند احساس نیاز کنند، مدیریت آن به دست یک سازمان است، البته باید سازمان را از تعریف خاص سنتی و قدیمی آن خارج کرد و آن را به شکل شبکه‌ای باز تعریف کرد که در این تعریف جدید، سازمان به نسبت قادر به توزیع اختیارات نیز خواهد بود.

اگر گفته شود که «هدایت توسعه» که در غرب توسط شرکت‌های plan corporation صورت می‌گیرد، بیش از یک سلسله توصیه‌های اخلاقی نیست، فقط یک تفکر ساده لوحانه است! مسئله توسعه، مسئله‌ای است که «سلسله»‌ای از دانش‌ها برای

از خطبه ۱۸ هج البلاغه

تَرَدُّ عَلَى أَحَدِهِمُ الْقَضِيَّةُ فِي حُكْمٍ مِنَ الْأَحْكَامِ فَيُحْكَمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ، ثُمَّ تَرَدُّ تِلْكَ الْقَضِيَّةُ بَعَيْنِهَا عَلَى غَيْرِهِ فَيُحْكَمُ فِيهَا بِخِلَافِ قَوْلِهِ، ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَاءُ بِذَلِكَ عِنْدَ إِمَامِهِمُ الَّذِي اسْتَقْضَاهُمْ فَيَصُوبُ آرَاءُهُمْ جَمِيعاً، وَاللَّهُمَّ وَاحِدًا! وَنَبِيِّهِمْ وَاحِدًا! وَكِتَابَهُمْ وَاحِدًا! أَفَأَمَرَهُمُ اللَّهُ - سُبْحَانَهُ - بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ! أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ! أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينَنَا قِصْباً فَاسْتَعَاثَ بِهِمْ عَلَى إِتْمَامِهِ! أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَعَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى؟ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينَنَا تَامًا فَقَصَّرَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ تَبْلِيغِهِ وَأَنَاءَهُ؟ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: وَفِيهِ تَبَيَّاتٌ لِكُلِّ شَيْءٍ، وَذَكَرَ أَنْ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُ، وَأَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: . وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ، وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ، وَلَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتِ إِلَّا بِهِ.

دعوائی نسبت به یکی از احکام اجتماعی نزد عالمی می برند که با رأی خود حکمی صادر می کند. پس همان دعوا را نزد دیگری می برند که او درست بر خلاف رأی اولی حکم می دهد. سپس همه قضات نزد رییس خود که آنان را به قضاوت منصوب کرده، جمع می گردند. او رأی همه را بر حق می شمارد.

در صورتی که خدایشان یکی، پیغمبرشان یکی، و کتابشان یکی است، آیا خدای سبحان، آنها را به اختلاف، امر فرمود، که اطاعت کردند یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا نمودند.

آیا خدای سبحان، دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آنها استمداد کرده است آیا آنها شرکاء خدایند که هر چه می خواهند در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد.

آیا خدای سبحان، دین کاملی فرستاد پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ابلاغ آن کوتاهی ورزید در حالی که خدای سبحان می فرماید: «ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم».

و فرمود: «در قرآن بیان هر چیزی است». و یاد آور شدیم که: بعض قرآن گواه بعض دیگر است و اختلافی در آن نیست. پس خدای سبحان فرمود: «اگر قرآن از طرف غیر خدا نازل می شد اختلافات زیادی در آن می یافتند» همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست، مطالب شگفت آور آن تمام نمی شود، و اسرار نهفته آن پایان نمی پذیرد و تاریکی ها بدون قرآن بر طرف نخواهد شد.

گزارشی اجمالی از شهادت و تجلیل از ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی یادواره ۳۳۰۰ شهید و تجلیل از ایثارگران

خوزستان ضمن خیر مقدم به میهمانان، به بیان گوشه‌ای از رشادت‌های سنگرسازان بی‌سنگر پرداخته و برنامه‌های سازمان جهاد کشاورزی در استان را تبیین نمود.

پس از سخنان مهندس چنگلویی و اجرای دکلمه‌ای با عنوان «فرزند شهید»، تیزری از فعالیت‌های جهاد خوزستان در دفاع مقدس به نمایش گذاشته شد.

برنامه بعدی مراسم سخنرانی آیت ا... عالمی نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی بود که در سخنان خود به جایگاه شهدا در دفاع مقدس اشاره نمودند و با حضور وی از **نرم افزار چندرسانه‌ای سردار شهید سید محمدتقی رضوی** رونمایی شد.

اجرای نمایش «انتظار» برنامه بعدی بود که به روی صحنه رفت و چشم‌انتظاری پدر شهیدی را در انتظار فرزند مفقودالاثرش بازگو می‌نمود.

سپس آیت ا... موسوی جزایری نماینده ولی فقیه در استان خوزستان و امام جمعه اهواز در سخنان کوتاهی از اهمیت و جایگاه

دوازدهمین یادواره ۳۳۰۰ شهید و تجلیل از ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی روز اول اسفندماه ۱۳۹۲ با حضور محمود حجتی وزیر جهاد کشاورزی، آیت‌الله عالمی نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی، سردار علی شمخانی دبیرشورای عالی امنیت ملی، آیت الله موسوی جزائری نماینده ولی فقیه در استان، استاندار خوزستان، نمایندگان مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری، نمایندگان مردم خوزستان در مجلس شورای اسلامی، معاونین و مدیران وزارت جهاد کشاورزی، مسئولین استانی و بیش از ۱۶۰۰ نفر از خانواده شهدا، آزادگان و جانبازان وزارت جهاد کشاورزی با استقبال خوب مردم اهواز در محل تالار فرهنگی هنری امام رضا(ع) اهواز برگزار و یاد و خاطره شهدای دفاع مقدس به ویژه شهدای سنگرساز بی‌سنگر گرامی داشته شد.

در این مراسم پس از قرائت قرآن و پخش سرود جمهوری اسلامی فیلم مستند کوتاهی تحت عنوان «**حماسه ماندگار**» از فعالیت‌های وزارت جهاد کشاورزی در دوران دفاع مقدس پخش شد و سپس مهندس چنگلویی رییس سازمان جهاد کشاورزی

برگزاری یادواره شهدا در کشور سخن گفت و با حضور وی از جلد اول و دوم کتاب «جهاد سازندگی خوزستان در دفاع مقدس به روایت اسناد» پرده برداری گردید.

برنامه یادواره با اجرای سرود «همسنگران» ادامه یافت و سپس کلیپ سنگسازان به نمایش گذاشته شد.

سخنران اصلی مراسم دریابان شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی بود که به جایگاه سنگسازان بی‌سنگر در دوران دفاع مقدس اشاره نمود و خاطرات و تجربیات خود را در این زمینه بازگو کرد، سپس حاج صادق آهنگران به شعر خوانی پرداخت. مراسم با تجلیل از چهار خانواده شهید به نمایندگی از سوی ۲۰۶ خانواده شهید استان و یک جانباز به نمایندگی از سوی ۳۰

جانباز سازمانهای سراسر کشور تجلیل به عمل آمد و نیز احکام فرماندهان جنگ جهاد خوزستان به نمایندگان آنان اهداء گردید. در چند نوبت میان برنامه انیمیشن پوستر یادواره به نمایش گذاشته شد.

از فعالیتهای جنبی در کنار یادواره می‌توان به برگزاری نمایشگاهی از اسناد جنگ اشاره نمود که بسیار مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت، برپایی ایستگاه صلواتی جهت پذیرایی از میهمانان نیز از دیگر کارهای جنبی مراسم بود.

در این مراسم بسته‌های فرهنگی شامل: نشریات منتشر شده در رابطه با یادواره، کتابهای اسناد جنگ، نرم افزار چند منظوره شهید تقی رضوی، کتاب خلق و خوی جهادی، کتاب دعا و ... به میهمانان اهداء گردید.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی خوزستان:

سنگسازان دیروز سازندگان پی از جنگ بودند که با عزم و اراده به سازندگی پرداختند

مهندسی رزمی به خدمت دفاع مقدس درآمد و چنان حرکتی آغاز شد که امام امت در وصف آن فرمود "اگر جهاد نبود پیروزی با این سرعت به دست نمی‌آمد." چنان بی‌محبا بدون لودر سنگر ساختند که امام خمینی(ره) به آنها سنگسازان بی‌سنگر اطلاق کرد.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی خوزستان با اشاره به تقدیم ۳۳۰۰ شهید، ۲۳ هزار جانباز و ۱۲۰۰ آزاده، آن را از افتخارات کم‌نظیر جهاد کشاورزی دانست و گفت: جنگ با تمام فرازا و نشیب‌ها با سربلندی ملت ایران به پایان رسید و سنگسازان دیروز سازندگان پی از جنگ بودند که با عزم و اراده به سازندگی پرداختند.

وی ادامه داد: اکنون کشور در شرایطی قرار دارد که یکی از تولیدکنندگان بزرگ محصولات کشاورزی در دنیا محسوب می‌شود. ایران در میان هفت کشور اول دنیا از نظر تولید ۲۲ محصول و در میان ۲۰ کشور اول دنیا از نظر تولید ۲۹ محصول است. خوزستان نیز در این میان با تولید ۱۴/۲ میلیون تن از محصولات کشاورزی دارای بیشترین ظرفیت توسعه در این بخش است.

چنگلویی اظهار کرد: پروژه احیای دشت‌های استان‌های خوزستان و ایلام از سال ۸۹ به میزان ۴۵۰ هزار هکتار به موسسه جهاد نصر واگذار شد و در سفر اخیر ریاست جمهوری به استان خوزستان و با عنایت مقام معظم رهبری ۱/۵ میلیارد دلار برای انجام بخشی از طرح رهبری اختصاص یافت. تاکنون بیش از ۷۰ هزار هکتار از این اراضی به بهره‌برداری رسیده است که پس از اجرایی شدن کامل این طرح شرایطی فراهم می‌شود که میزان تولیدات استان به مرز ۲۳ میلیون تن در آینده نزدیک برسد.



کیخسرو چنگلویی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی خوزستان در یادواره ۳۳۰۰ شهید و تجلیل از ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی اظهار کرد: ۳۵ سال پیش با رهبری پیری خردمند، انقلابی عظیم روی داد که منشأ تحولات شگرف در خاورمیانه و در جهان شد. نظامی ستمگر در پی انقلاب اسلامی سرنگون شد و مردمی که سال‌ها طعم ستم را چشیدند چشم‌انتظار برکات انقلاب بودند. مردان این سرزمین به امر مقتدای خود حرکتی را آغاز کردند که جهاد نام گرفت و برای زدودن محرومیت‌ها تا دورترین نقاط کشور رفتند. جهان‌خواران نیز منافع خود را در خطر دیدند و عزیزان جهادگر را ترور کرده و به شهادت رساندند.

چنگلویی افزود: بخش عظیمی از امکانات، نیروها و استعدادهای جهان در قالب ستاد پشتیبانی جهاد و واحد

آیت الله عالمی نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی:

شهدای دفاع مقدس

نمونه بارز یاران و ملت مورد نظر امام علی (ع)
در بیان مضمون جمعی "میامین الرای" بودند



من و شما جدایی می انداخت و مردمی سزاوارتر از شما را برابر من قرار می داد مردمی که دارای تحلیل و درک روشن و نگاه صایب، زبان ناطق به حق و رهرو راه حق باشند و در میدان دفاع و جنگ نیز با منطق روشن با دشمن روبرو می شوند و رزمندگان ما به راستی چنین ویژگی هایی داشتند.

وی افزود: این دسته از افراد به خاطر همین ویژگی ها به پیروزی دایم و کرامت خوشایند در زندگی دست می یابند، وجود شهدای انقلاب و دفاع مقدس که امروز به گرامیداشت شان دور هم آمده ایم حقیقتاً مصادیق بارز این سخن حضرت امیرمومنان علی (ع) هستند.

آیت الله عالمی تصریح کرد: آنان چون متخلق به این ویژگی ها بودند توانستند انقلاب و نظام و کشور را برابر حجم انبوه توطئه ها و عناد از تمام فراز و نشیب ها به سلامت گذرانده و امروز به ما بسپارند.

وی تاکید کرد: ایران اسلامی و نظام مقدس و ملت ما این سرفرازی امروز را مدیون از جان گذشتگی ها و ایثار شهدا و ایثارگران هستند و از این رو باید قدردان مکتب شهدا و رهبر و امام راحل باشیم.

نماینده ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی در یادواره ۳۳۰۰ شهید و تجلیل از ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در سخنانی گفت: شهدای دفاع مقدس نمونه بارز یاران و ملت مورد نظر امام علی (ع) در بیان مضمون جمعی میامین الرای بودند.

آیت الله عالمی در توضیح این معنی بیان کرد: حضرت امیرالمومنین (ع) خطاب به مردم زمانشان فرموده بودند ای کاش حق تعالی بین



نماینده ولی فقیه در استان خوزستان و امام جمعه اهواز:

انجام پل خیر را خداوند

به دل مهندسان جهاد الهام کرده بود



و آمریکا را غافلگیر کرد، انجام پل خیر را خداوند به دل مهندسان جهاد الهام کرده بود و امیدوارم خداوند این شهدا را با سیدالشهدا (ع) محشور کند.

موسوی جزایری به طرح ۵۵۰ هزار هکتاری رهبری در خوزستان اشاره کرد و متذکر شد: طرح ۵۵۰ هزار هکتاری رهبری یک طرح بی نظیر است و امیدوارم هرچه زودتر عملیاتی شود و به بهره برداری برسد و هم اینکه رئیس جمهور تصمیم گرفتند این طرح بزرگ را با این هزینه زیادی که دارد عملی کند، تشکر می کنم.

آیت الله سید محمدعلی موسوی جزایری در دوازدهمین یادواره ۳ هزار و ۳۰۰ شهید وزارت جهاد کشاورزی و تجلیل از ایثارگران اظهار داشت: من احساس وظیفه می کنم که خدمت تمام کسانی که از خارج از استان در این مراسم شرکت کردند خیر مقدم عرض کنم، اینکه در این مراسم حضور دارند جای خوشحالی است. خانواده شهدا، جانبازان، ایثارگران واقعاً ولی نعمت ما هستند و طبق فرموده امام راحل ما سر سفره آنها نشسته ایم.

وی ادامه داد: شهدای جهاد سازندگی که در دفاع مقدس، مهندسی جنگ را بر عهده داشتند و با ایجاد خاکریزها و جاده های مواصلاتی در نزدیکی دشمن نبرد می کردند، یاد کنیم، آنها کار بزرگی انجام دادند مانند احداث پل خیر در زمان جنگ که کار بی نظیری بود. امام جمعه اهواز اضافه کرد: ایجاد پل خیر در زمان جنگ، دشمن



گزارش تصویری از

دوازدهمین یادواره ۳۳۰۰ شهید و نجلیل از اینثار گران وزارت جهاد کشاورزی







دبیر شورای عالی امنیت ملی:

سنگر سازان بی سنگر دیروز

پرچمداران راستین

عرصه جنگ اقتصادی امروز هستند

به عنوان اسوه های عبور از میادین سخت و غیر قابل نفوذ به ما متذکر می شود.

شمخانی پیام این همایش معنوی را تجدید پیمان خانواده های معظم شهدا و ایثارگران، مدیران و کارکنان انقلابی جهاد برای یاری رساندن به دولت سخت کوش و ارزش مدار عنوان کرد و

اظہار داشت: همان گونه که در دفاع مقدس هشت ساله با تمسک به فرهنگ ایثارگری، حس برادری و وطن دوستی تمام اقوام و مذاهب کشور به مردم جهان نشان دادیم که با اتحاد می توان علیه تمام قدرت ها ایستادگی نمود، امروز نیز با راهبرد اقتصاد مقاومتی و بهره گیری از ایمان، مدیریت جهادی و شور و شعور انقلابی گردنه های سخت و پرخطر را به یاری حضرت حق پشت سر خواهیم گذاشت.

دبیر شورای عالی امنیت ملی حضور بی سابقه آحاد مردم در مراسم پرشکوه ۲۲ بهمن را نشان دهنده ادامه پرتوان مسیر انقلاب اسلامی دانست و گفت: بدخواهان و

دشمنان جمهوری اسلامی باید با تعقل و تأمل دقیق، پیام نهفته در این اجتماعات عظیم مردمی را دریافت کرده و با دست کشیدن از دشمنی و عداوت، این واقعیت را درک کنند که با مردم سلحشور ایران اسلامی تنها باید با زبان احترام و تکریم سخن گفت.

دبیر شورای عالی امنیت ملی در دوازدهمین یادواره ۳۳۰۰ شهید و تجلیل از ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در اهواز با اشاره به لزوم تداوم مسیر جهادی و داشتن روحیه ایثارگری برای اعتلا و پیشرفت کشور گفت: کمترین تأثیر حضور در میان یادگاران و نمایه های فرهنگ ایثار و شهادت برای افرادی چون من که

توفیق همسنگری با ایثارگران و شهدای گران قدر را داشته ام، احیای روحیه جهادی، مشابه سال هایی است که در قامت جوانی انقلابی و پرشور بزرگ ترین موانع و چالش ها را به سخره می گرفتیم و با شعور دینی و ارزشی، سنگرهای پوشالی دشمن را پشت سر می گذاشتیم.

شمخانی با بیان اینکه کشور ما همچنان در نبردی بسیار پیچیده تر و سخت تر از گذشته با دشمنان همیشگی خود قرار دارد، سنگر سازان بی سنگر دیروز را پرچمداران راستین عرصه جنگ اقتصادی امروز عنوان کرد و افزود: در عزمی ملی برای هموردی در نبرد اقتصادی، بهره گیری از راهبرد پیشتازی جهادگران برای کسب نشان ها و مدال های اقتصاد مقاومتی اجتناب پذیر است.

وی با اشاره به طیف راهبردی که دشمنان

برای به تسلیم کشاندن و یا ممانعت از پیشرفت و توسعه جمهوری اسلامی طراحی کرده اند، افزود: اگرچه امروز صدای توپخانه ها و غرش جنگنده ها به گوش نمی رسد اما پیام شهدای والامقام جهاد سازندگی همچنان ضرورت پیشتازی و خط شکنی جهادگران را

اگرچه امروز

صدای توپخانه ها

و غرش جنگنده ها

به گوش نمی رسد اما

پیام شهدای والامقام

جهاد سازندگی

همچنان ضرورت پیشتازی

و خط شکنی جهادگران

را به عنوان اسوه های عبور

از میادین سخت و غیر قابل نفوذ

به ما متذکر می شود

اخبار

کانون‌ها و سازمان‌ها

استان‌ها

سیستان و بلوچستان

گرامیداشت یاد و خاطره شهدای ۲۲ اسفند



به مناسبت سالروز تاسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) و روز شهداء، و نیز سالروز شهادت شهداء تاسوکی، یاد و خاطره شهدای ۲۲ اسفند در استان سیستان و بلوچستان گرامی داشته شد. این گرامیداشت همراه با همایش پیاده روی از منطقه شيله تا يادمان شهداء تاسوکی با حضور جمعی از خانواده معظم شهداء و ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان برگزار گردید.

برنامه‌های گرامیداشت دهه فجر در سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان

رییس سازمان و رییس کمیسیون ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان رؤس برنامه‌های این سازمان در دهه مبارک فجر را اعلام کرد.

رضا نجفی، ضمن اشاره به افتتاح ۲۲ طرح به مناسبت دهه مبارک فجر و نام‌گذاری این طرح‌ها به نام شهدای جهاد کشاورزی، مهمترین برنامه‌های این سازمان را به شرح ذیل اعلام کرد:

- استفاده از بیانات حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی)، روز شمار انقلاب و شعارهای منتخب دهه فجر در سربرج نامه‌های اداری در طول دهه فجر

- دیدار با خانواده معظم شهدا و ایثارگران با حضور رییس سازمان، رییس بنیاد شهید و مدیران سازمان جهاد کشاورزی

- ارسال پیامک تبریک گرامیداشت دهه مبارک فجر به کلیه ایثارگران، بسیجیان و جهادگران استان

- مراسم بازخوانی عملیات غرورآفرین والفجر ۸ و تبیین نقش سازنده و موثر سنگ‌سازان بی‌سنگر در این عملیات و تقدیر از ۱۵ تن از جهادگران جهاد کشاورزی

- برگزاری مراسم غبارروبی و عطر افشانی گلزار شهدای گرانقدر با عنوان میهمانی لاله‌ها

- شرکت بیش از ۴۰۰ نفر از جهادگران، ایثارگران، جانبازان، رزمندگان، آزادگان و خانواده معظم شهدای جهاد سازندگی در مراسم پرشکوه سیاسی عبادی نماز جمعه

- تهیه و توزیع پرچم جمهوری اسلامی و تراکت‌های شعارهای انقلابی در راهپیمایی یوم الله ۲۲ بهمن

- برگزاری جشن بانوی انقلاب به منظور تجلیل از خانواده معظم شهداء



مراسم میهمانی لاله‌ها

دیدار با خانواده معظم شهدا و ایثارگران



جشن بانوی انقلاب



اهم فعالیت‌های کانون سنگرزازان بی سنگر استان آذربایجان غربی

کانون سنگرزازان بی سنگر استان آذربایجان غربی اهم فعالیت‌های این کانون در بهمن ماه ۱۳۹۲ را اعلام کرد. رؤس این برنامه‌ها عبارتند از:

- جلسه هماهنگی در خصوص نقش پشتیبانی مهندسی جنگ در ۸ سال دفاع مقدس در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس این استان.
- جلسه هم اندیشی و هماهنگی در خصوص معرفی هیات مدیره شرکت جهاد نصر استان آذربایجان غربی؛ با حضور هیئت مدیره این کانون و آقایان قاسمی و محمودزاده مشاور موسسه جهاد نصر در مورخه ۹۲/۱۱/۹ برگزار گردید و مقرر گردید ۵ نفر مدیر و متخصص توانا که در زمینه‌های فنی و تخصصی دارای رتبه هستند از طریق کانون سنگرزازان بی سنگر استان معرفی گردند.

برنامه‌های گرامیداشت دهه مبارک فجر در کانون کاشان



کانون سنگرزازان بی سنگر کاشان اهم فعالیت‌های انجام شده توسط کانون را طی گزارشی اعلام کرد. در این گزارش ضمن اشاره‌ای کلی به جلسات هماهنگی و کسب آمادگی برای گرامیداشت این ایام، رؤس کلی برنامه‌ها به شرح ذیل عنوان شده است.

- جلسه سهامداران شرکت نصر که از رزمندگان هشت سال دفاع مقدس کاشان و آران و بیدگل هستند، با مدیریت کانون سنگرزازان بی سنگر استان و با همکاری کانون سنگرزازان بی سنگر کاشان در نمازخانه جهاد کشاورزی کاشان برگزار گردید.
- جلسه هیئت مدیره با دکتر حسینی مکارم معاون توسعه و مدیریت نیروی انسانی میراث فرهنگی کشور در تهران پیرامون مسائل و برنامه‌های کانون سنگرزازان بی سنگر.

- بمناسبت ایام اله دهه فجر جلسه قرائت قرآن ویژه خانم‌ها و آقایان به صورت جداگانه در نمازخانه جهاد کشاورزی تشکیل گردید. در جلسه قرائت قرآن ویژه خواهران که با یاد شهید محسن پورمحمدیان برگزار شد از مادر شهید حاجیه خانم استحقاقی دعوت بعمل آمد تا در این جلسه حضور داشته باشد. وی که از مربیان قرآن است در سخنانی اشاره کرد: قرآن خوان‌ها شامل سه دسته هستند: ۱- کسانی که برای دنیا قرآن تلاوت می‌کنند ۲- کسانی که با وجود تلاوت قرآن در آن تدبیر ندارند و ۳- کسانی که ضمن تلاوت آیات نورانی قرآن کریم در

آن تدبیر و تفکر می‌نمایند، که من از حاضرین در جمع می‌خواهم با تدبیر قرآن را تلاوت کنند. استحقاقی در ادامه افزود: انسان با تفکر در خلقت خود می‌تواند به عظمت خداوند پی ببرد. خداوندی که در برهه‌های مختلف زمانی کمک یار و پاسدار دین مبین اسلام و دینداران عزیز بوده است؛ خداوندی که با امداد و کمک‌های غیبی فرزندان ناب اسلام محمدی(ص) را در پیروزی انقلاب اسلامی یاری رسانده، همیشه پایدار بوده و هست. مادر شهید پورمحمدیان با اشاره به خون پاک شهیدان سرافراز و گلگون کفن اسلامی، خواهان پاسداری از درخت تنومند انقلاب شد و با یاد و خاطره فرزندش و قرائت وصیت‌نامه شهید سخنانش را به پایان رساند.

جلسه هیئت مدیره کانون سنگرسازان بی سنگر شهرستان های کاشان و آران و بیدگل

جلسه هیئت مدیره کانون سنگرسازان بی سنگر شهرستان های کاشان و آران و بیدگل با حضور مهندس کافی زاده مدیر جدید جهاد کشاورزی استان، در دفتر وی تشکیل گردید.



در این جلسه پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، مهندس امان پور مدیرعامل و صدور رئیس هیئت مدیره کانون گزارشی از عملکرد کانون را برای مدیریت جهاد ارائه نمودند. همچنین صدور در بخشی از سخنانش اعلام کرد: کانون از هر جهت آمادگی همکاری با شما را دارد. در پایان مهندس کافی زاده که خود از رزمندگان دفاع مقدس و عضو کانون سنگرسازان بی سنگر است، آمادگی خود را جهت همکاری با کانون در خدمت رسانی به رزمندگان، ایثارگران و خانواده های معظم شهدا اعلام کرد.

چشم پیروزی انقلاب اسلامی در جهاد کشاورزی کاشان

در این جلسه پس از قرائت قرآن کریم، مقدس خصوصاً شهداء جهاد کشاورزی حجت الاسلام علیرضا باقری نسبت به گرمی داشته شد. معرفی دستاوردهای انقلاب سخنانی را همچنین به منظور زنده نگه داشتن یاد شهدای جهادگر مقرر گردید سالن اجتماعات ایراد فرمودند و سپس موسی کیخا رزمنده مدیریت به نام سرلشگر جهادگر حاج علی جانباز و یکی از اعضاء کانون سنگرسازان بی سنگر کاشان خاطراتی از دوران انقلاب فارسی، سالن اجتماعات جهاد کشاورزی به اسلامی ایران را برای حاضرین در جلسه نام شهید مهندس ذوالفقار ذوالفقارپور و سالن بیان کرد. در پایان جلسه نیز یاد امام نمازخانه جهاد کشاورزی به نام شهدای عزیز عظیم الشان و شهداء عزیز انقلاب و دفاع جهاد سازندگی کاشان نام گذاری شود.

بمناسبت سالروز پیروزی شکوهمند جمهوری اسلامی ایران مراسم با شکوهی با مدیریت جهاد کشاورزی و همکاری کانون سنگرسازان بی سنگر در سالن نمازخانه جهاد کشاورزی با حضور پرسنل جهاد کشاورزی، پیشکسوتان عرصه انقلاب، بازنشستگان جهاد کشاورزی و اعضاء کانون سنگرسازان بی سنگر برگزار گردید.

گرامیداشت شهدای جهاد با بازدید از خانواده های ایشان

به منظور گرامیداشت یاد شهدای جهاد کشاورزی و سنت حسنه سرکشی به خانواده شهداء، مدیر جهاد کشاورزی استان و کانون سنگرسازان بی سنگر به بازدید خانواده شهیدان صلواتی، طالاری و رضوی رفتند و ضمن آرزوی علو درجات برای این عزیزان، برپیروی راه شهیدان که خواسته خانواده شهدا نیز بود، تاکید کردند.



منزل شهید رضوی

نماینده ولی فقیه و امام جمعه کاشان در دیدار با سنگرزسان بی سنگر

با مطالعه دقیق در به ثمر نشستن و رسیدن به خود کفایی نیازهای کشور کمر همت را ببندند



افزود: تمامی سعی و تلاش همکاران در مدیریت، مشاوره و راهنمایی بهره‌برداران در جهت سوق دادن به تغییر الگوی کشت و کاشت گیاهانی با نیاز آب کم در سطح مزارع و باغات شهرستان است که نمونه بارز آن باغ ۴۰۰ هکتاری شهر برزک است. وی همچنین در ادامه به حمایت و پشتیبانی از کارخانجات فرآوری تولیدات کشاورزی اشاره کرد.

پس از ارائه گزارش مهندس کافی‌زاده، آیت‌الله نمازی ضمن خوش‌آمدگویی انتظار خود از مدیر جهاد کشاورزی و همکارانش را در به کار گرفتن نهایت سعی و تلاش در جهت خدمت به کشاورزان عزیز برشمرد.

امام جمعه کاشان افزود: «رضایتمندی و خدمت به مردم جزء بالاترین ارزش‌هاست، چه بسا همین مردم بودند که در دوران دفاع مقدس خالصانه در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل حاضر شدند و حماسه آفریدند».

نماینده ولی فقیه در ادامه بیان داشت: «منتظر نباشید مردم به سراغ شما بیایند بلکه شما با مراجعه به روستاها و مراکز تولید کشاورزی به صورت مستقیم در جریان مسائل و مشکلات قرار گرفته و سعی در برطرف نمودن آن نمایید».

وی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابللاغ شده از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره کرد و از مسئولین از جمله جهاد کشاورزی خواست تا با مطالعه دقیق در به ثمر نشستن و رسیدن به خودکفایی نیازهای کشور کمر همت را ببندند.

مدیریت جهاد کشاورزی کاشان به همراه مسئولین واحدها و مسئولین کانون سنگرزسان بی‌سنگر با آیت‌الله نمازی نماینده ولی فقیه و امام جمعه کاشان در محل دفتر وی دیدار کردند.

در این دیدار که در مورخه ۲۵ اسفندماه ۱۳۹۲ برگزار شد، مهندس کافی‌زاده مدیر جهاد کشاورزی کاشان ضمن تسلیت ایام سوگواری حضرت فاطمه زهرا(س) و گرامیداشت یاد و خاطره شهدای سنگرزسان بی‌سنگر به بیان گزارش پیرامون بخش کشاورزی شهرستان کاشان پرداخت. وی با اشاره به اینکه شهرستان کاشان به عنوان یک منطقه صنعتی شناخته شده است اما استعداد بسیار خوبی در زمینه تولیدات کشاورزی از جمله گیاهان ارگانیک دارویی، ماهیان زینتی، شاتوت، انار، عسل مرغوب و ... دارد

جلسه عمرانی هیئت مدیره کانون سنگرزسان بی‌سنگر کاشان و آران و بیدگل

جلسه عمرانی کانون سنگرزسان بی‌سنگر کاشان و آران و بیدگل در روز پنجشنبه ۹۲/۱۲/۱ در دفتر کانون با حضور اعضای هیئت مدیره کانون تشکیل و در مورد زمین رفاهی تفریحی جاده مشهد اردهال و دو پلاک زمین مسکونی بحث و تبادل نظر گردیده و تصمیم گرفته شد که این کمیته نسبت به انجام این دو پروژه پیگیری‌های جدی‌تری داشته باشد تا موانع و مشکلات اجرای آن برطرف گردد.



برگزاری دومین اجلاس کانون سنگرسازان بی سنگر استان مازندران

ضرورت و اهمیت برگزاری اجلاسیه و مستندسازی اسناد جنگ جهاد توضیحاتی را ارائه کرد.

دکتر ربیع فلاح استاندار مازندران، از دیگر سخنرانان این اجلاس بود. وی پروژه ذخیره سازی اسناد جنگ جهاد را یک حرکت نوین و زیربنایی دانست و با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) که فرمودند: «این جنگ یک گنج است و ما باید آن را حفظ نماییم»، ادامه داد: «ما موظفیم با پشتیبانی و حمایت همه جانبه این گنج تمام نشدنی را برای آیندگان حفظ نماییم».

استاندار مازندران در ادامه سخنانش به مدیریت جهادی و نقش جهادگران در دفاع مقدس و حضور همزمان در چندین فعالیت اعم از حضور در خطوط مقدم جبهه و مسئولیت مهندسی رزمی در ۱۷ عملیات دفاع مقدس، جمع آوری کمک‌های مردمی و ارسال به مناطق عملیاتی، مسئولیت بازسازی شهرهای جنگ زده و فعالیت در توسعه روستایی در پشت جبهه اشاره کرد و افزود: «مجموعه این فعالیت‌ها موجب گردید حضرت امام (ره) مدال پرافتخار سنگرسازان بی سنگر را به جهادگران اهداء نمایند».

وی در بخش پایانی سخنرانی با اشاره به توصیه مقام معظم رهبری بر مدیریت جهادی گفت «ما نیز افتخار می‌نماییم که انشاءالله بتوانیم در توسعه استان از الگوی مدیریت جهادی نهایت استفاده را بنماییم».

در پایان این مراسم از ۶ تن از سنگرسازان بی سنگر با اهداء هدایایی تقدیر شد.

استاندار مازندران:

ما نیز افتخار می‌نماییم که انشاءالله بتوانیم در توسعه استان از الگوی مدیریت جهادی نهایت استفاده را بنماییم.

به گزارش روابط عمومی خبرنامه کانون سنگرسازان بی سنگر به نقل از مدیر عامل کانون استان مازندران، دومین اجلاس کانون سنگرسازان بی سنگر این استان با محوریت نقش ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد مازندران در دفاع مقدس و نیز فعالیت کانون در حفظ و نشر ارزش‌های دوران پرافتخار دفاع مقدس، با حضور استاندار مازندران، معاونین استاندار، رئیس سازمان و معاونین جهاد کشاورزی مازندران، جمعی از مسئولین استانی، فرماندهان، پیشکسوتان و ایثارگران در موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی فروردین شهرستان قائمشهر برگزار شد.

این ویژه برنامه با تلاوت کلام ... مجید و پخش سرود جمهوری اسلامی آغاز و سپس حجت الاسلام نوریان نماینده اسبق ولی فقیه در سازمان جهاد کشاورزی استان به عنوان اولین سخنران، به بازخوانی مدیریت جهاد در دفاع مقدس پرداخته و بر لزوم انتقال این فرهنگ به نسل جوان تاکید کردند.

در ادامه برنامه، پس از پخش کلیپ سنگرسازان بی سنگر، ابوالقاسم کلونیان مدیر عامل کانون سنگرسازان بی سنگر استان مازندران، به ارائه گزارشی از فعالیت‌های این کانون پرداخت.

سخنرانی مهندس عظیم چابک با محوریت تشریح پروژه ذخیره سازی اسناد جنگ جهاد مازندران و ارائه گزارش در این موضوع، ارائه پیشنهادها و راهکارهای اجرایی در استان توسط مهندس صفرپور مدیر عامل صندوق بیمه محصولات کشاورزی کشور، سخنرانی سردار باقرزاده فرمانده تیپ الهادی پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد مازندران در خصوص مشکلات پیش رو و راه حل‌های کاربردی کانون سنگرسازان از دیگر برنامه‌های این اجلاس بود.

همچنین محمودزاده نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس بر



معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی سازمان جهاد کشاورزی استان همدان:



معرفی سردار جهادگر شهید سید محمد تقی رضوی در یادمان شهدای شلمچه

جهاد کشاورزی استان همدان؛ این راویان تا ۱۳ فروردین ماه در این یادمان حضور داشته و طی این مدت ۲۰/۰۰۰ بسته فرهنگی شامل دعای عهد و لوح فشرده با مضامین فعالیت‌های پشتیبانی جنگ و جهاد و معرفی سردار جهادگر شهید سیدمحمدتقی رضوی در بین زائران یادمان شلمچه توزیع خواهد شد.

به منظور پاسداشت رشادت‌های جهادگران در دوران پر افتخار دفاع مقدس و نیز انتقال ارزش‌های این دوران به نسل جوان، ۵ نفر از راویان جهادگر و نیروهای فرهنگی استان همدان از تاریخ ۲۱ اسفندماه ۱۳۹۲ در یادمان شهدای شلمچه حضور یافته و به بیان خاطرات و حماسه رزمندگان اسلام به ویژه نقش جهادگران جهادسازندگی در عملیات‌های دفاع مقدس می‌پردازند. بنابر گزارش علی ادیب معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی سازمان

کهگیلویه و بویراحمد

فعالیت‌های اداره امور ایثارگران کهگیلویه و بویراحمد



استان
- هماهنگی در برگزاری مراسم «میهمانی لاله‌ها» در گلزار شهدای روستایی و عشایری و مرکز شهرستان‌ها در روز پنجشنبه ۱۷ بهمن ماه ۱۳۹۲
- دیدار و سرکشی از ۵۱ خانواده معظم شهید جهاد کشاورزی و نیز دیدار با جانبازان اعصاب و روان بستری شده در بیمارستان سلمان با حضور مسئولین جهاد کشاورزی استان.
- افتتاح پروژه‌های جهاد کشاورزی و ادارات تابعه با یاد و نامگذاری شهدای جهاد کشاورزی
- اعزام راوی به همراه برادران سپاهی به منطقه عملیاتی اروندکنار محل استقرار تیپ مستقل ۴۸ فتح استان به منظور روایتگری پیرامون نقش سنگرزبان بی سنگر در دفاع مقدس و ترویج فرهنگ جهادی و تبیین دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی
همچنین در جشن ایام الله دهه فجر استان به نمایندگی از خانواده‌های شهدا از یک خانواده شهید سازمان با اهداء لوح و هدیه، تقدیر به عمل آمد.

فعالیت‌ها و برنامه‌های اداره امور ایثارگران استان کهگیلویه و بویراحمد در دهه فجر توسط سیدمحمد طاهر محمودی رییس این اداره اعلام شد.

وی رئیس این برنامه‌ها را به این شرح اعلام کرد:
- حضور فعال در کمیته روستایی و عشایری دهه پر فروغ فجر

یزد

معرفی فعالیت‌های کانون سنگر سازان بی‌سنگر به مسئولین شهر یزد

به منظور آشنایی مسئولین با فعالیت‌های کانون سنگر سازان بی‌سنگر، جلسه‌ای با حضور مدیر عامل این کانون در استان و رئیس شورای شهر یزد در مورخه ۲ بهمن ماه ۱۳۹۲ برگزار گردید. در ابتدای این جلسه مدیر عامل کانون سنگر سازان بی‌سنگر یزد گزارشی از نحوه

شکل‌گیری و فعالیت‌های کانون ارائه داد و بخشی از مشکلات این کانون را بر شمرد. در ادامه مهندس شایق رییس شورای شهر یزد تشکیل کانون که ادامه دهنده راه شهدا و پیگیری امور ایثارگران است را به فال نیک گرفت و برای حل مشکلات کانون، قول مساعد داد.

گیلان

دیدار با خانواده دو شهید و بازدید از یک جانباز شیمیایی



دیدار با خانواده شهید جهان‌بین

با عده‌ای از برادران اعزامی از قم و گیلان در قرارگاه نجف در غرب کشور حضور موثری داشته و در منطقه عملیاتی شاخ شمیران بر اثر بمباران شیمیایی رژیم بعثی دچار عارضه شیمیایی گردید. وی که از ناحیه ریه و کلیه آسیب دیده، به دلیل عارضه شیمیایی دچار پوکی استخوان شده و زمین‌گیر شده است.



دیدار با جانباز شیمیایی حسن وزیری

متولد سال ۱۳۴۰ بوده و در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ همزمان با جریان درگیری دانشگاه گیلان به عنوان محافظ آیت الله امامی کاشانی جهت انجام کارهای جاری در رشت حضور داشتند که در زمان درگیری و حمله مهاجمین ضد انقلاب به ساختمان جهادسازندگی و نهادها در خیابان تختی شهر رشت وی به همراه بعضی از جهادگران و برادران حزب الهی به دفاع پرداختند و در درگیری با ضد انقلاب با سلاح سرد به درجه رفیع شهادت نائل آمد. دیدار با جانباز جهادگر حسن وزیری یکی دیگر از برنامه‌های کانون استان گیلان برای زنده نگه داشتن فرهنگ ایثار و شهادت بود. حسن وزیری

اعضای هیئت مدیره کانون سنگر سازان بی‌سنگر استان گیلان همزمان با سالروز شهادت حضرت زهرا(س) و در ایام ا... دهه فجر، به دیدار خانواده شهدا و ایثارگران جنگ تحمیلی رفتند. دیدار با روحانی جهادگر حجت‌الاسلام قائمی که از شخصیت‌های مبارز قبل از انقلاب بوده و پدر دو شهید والامقام هست. وی که اهل گیلان بوده و سال‌ها در جهاد سازندگی این استان خدمت می‌کرد، چند سال است که در قم سکونت دارد، یکی از این برنامه‌ها بود.

دیدار دیگر با خانواده شهید محمدرضا جهان‌بین صورت گرفت. این شهید بزرگوار



دیدار با روحانی جهادگر و پدر دو شهید حجت‌الاسلام قائمی

جواب سلام را با علیک بده،
جواب تشکر را با تواضع،
جواب کینه را با گذشت،
جواب بی مهری را با محبت،
جواب ترس را با جرأت،
جواب دروغ را با راستی،
جواب دشمنی را با دوستی،
جواب زشتی را به زیبایی،
جواب توهم را به روشنی،

جواب خشم را به صبوری،
جواب سرد را به گرمی،
جواب نامردی را با مردانگی،
جواب همدلی را با رازداری،
جواب پشتکار را با تشویق،
جواب اعتماد را بی ریا،
جواب بی تفاوت را با التفات،
جواب یکرنگی را با اطمینان،
جواب مسئولیت را با وجدان،

جواب حسادت را با اغماض،
جواب خواهش را بی غرور،
جواب دورنگی را با خلوص،
جواب بی ادب را با سکوت،
جواب نگاه مهربان را با لبخند،
جواب لبخند را با خنده،
جواب دلمرده را با امید،
جواب منتظر را با نوید،
جواب گناه را با بخشش،

جواب

و هیچ وقت
هیچ چیز
و هیچ کسی
را بی جواب
نگذار...

مطمئن باش هر جوابی بدهی،
یک روزی،
یک جوری،
یک جایی
به تو باز می گردد...

حضرت داوود (علیه السلام) به زن متوجه شد و به او فرمود: پروردگار تو در دریا برای تو هدیه می فرستد، ولی تو او را ظالم می خوانی؟ سپس هزار دینار را به آن زن داد، و فرمود: این پول را در تامین معاش کودکان مصرف کن، خداوند به حال و روزگار تو، آگاه تر از دیگران است.

منبع: امالی شیخ صدوق - مطابق نقل المخازن، ج ۱، ص ۶۰.

زنی به حضور حضرت داوود (علیه السلام) آمد و گفت: ای پیامبر خدا پروردگار تو ظالم است یا عادل؟ داوود (علیه السلام) فرمود: خداوند عادل است که هرگز ظلم نمی کند. سپس فرمود: مگر چه حادثه ای برای تو رخ داده است که این سؤال را می کنی؟

زن گفت: من بیوه زن هستم و سه دختر دارم، با دستم، ریسندگی می کنم، دیروز شال بافته خود را در میان پارچه ای گذاشته بودم

و به طرف بازار می

بردم، تا بفروشم،

و با پول آن غذای

کودکانم را تهیه

سازم، ناگهان پرنده ای آمد و

آن پارچه را از دستم ربود و

برد، و تهدیدست و محزون

ماندم و چیزی ندارم که معاش

کودکانم را تامین نمایم.

هنوز سخن زن تمام نشده بود،

در خانه حضرت داوود

را زدند، حضرت اجازه

وارد شدن به خانه را

داد، ناگهان ده نفر تاجر به حضور

داوود (علیه السلام) آمدند، و

هر کدام صد دینار (جمعا هزار

دینار) نزد آن حضرت گذاردند

و عرض کردند: این پولها را به

مستحقش بدهید.

حضرت داوود (علیه السلام) از آنها

پرسید: علت این که شما دست جمعی

این مبلغ را به اینجا آورده اید چیست؟

عرض کردند: ما سوار کشتی بودیم، طوفانی برخاست، کشتی

آسیب دید، و نزدیک بود غرق گردد و همه ما به هلاکت برسیم،

ناگهان پرنده ای دیدیم، پارچه سرخ بسته ای به سوی ما انداخت،

آن را گشودیم، در آن شال بافته دیدیم، به وسیله آن، مورد آسیب

دیده کشتی را محکم بستیم و کشتی بی خطر گردید و سپس

طوفان آرام شد و به ساحل رسیدیم، و ما هنگام خطر نذر کردیم

که اگر نجات یابیم هر کدام صد دینار، بپردازیم، و اکنون این مبلغ

را که هزار دینار از ده نفر ما است به حضورت آورده ایم، تا هر که

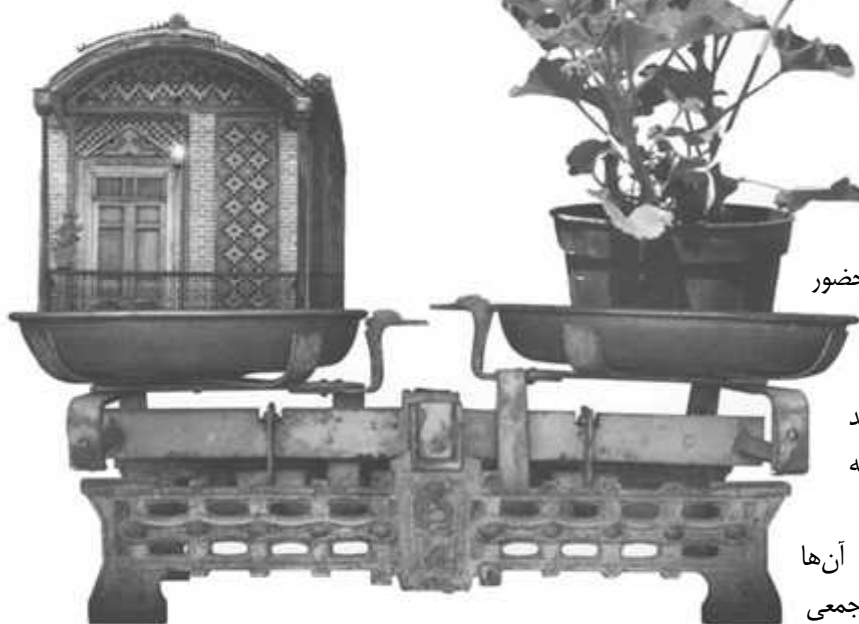
را بخواهی، به او صدقه بدهی.

واقعاً خدا عادل است؟

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

اوست که برای شما گوش و دیده و دل پدید آورد، چه

اندک سپاسگزاری می کنید (مومنون، ۷۸)



پروردگار تو در دریا برای تو هدیه می فرستد،

ولی تو او را ظالم می خوانی؟

سپس هزار دینار را به آن زن داد،

و فرمود: این پول را در تامین معاش کودکان مصرف کن،

خداوند به حال و روزگار تو،

آگاه تر از دیگران است.

عنوان پژوهش:

بررسی محتوای کتب درسی سه

دوره تحصیلی از حیث مطالب

مرتبط با جهاد سازندگی و

فرهنگ و مدیریت جهادی

چکیده یک پژوهش

پژوهشگر: جمشید احمدی

سال اجرا: ۱۳۹۲

چکیده پژوهش:

این پژوهش تحت عنوان «بررسی محتوای کتب درسی سه دوره تحصیلی از حیث مطالب مرتبط با جهاد سازندگی و فرهنگ و مدیریت جهادی» در سال ۱۳۹۲ به اجرا در آمده است. مهمترین مساله تحقیق این بود که با توجه به ضرورت انتقال محتوای مورد نظر حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهاد کشاورزی (آشنایی دانش آموزان با جهاد سازندگی و فرهنگ و مدیریت جهادی) در برنامه‌های آموزشی و کتب درسی رسمی نظام آموزش و پرورش، آیا در عناوین و محتوای کتب درسی از فرهنگ و مدیریت جهادی یادی شده است؟ اصولاً تا چه میزان عناوین و محتوای کتب درسی مفاهیم و موضوعات مورد نظر را پوشش داده است؟ هدف اصلی تحقیق، تعیین میزان پوشش مفاهیم مربوط به مولفه‌های «جهاد سازندگی و فرهنگ و مدیریت جهادی» در کتب درسی سه دوره تحصیلی مدارس بوده است و سوال مهم پژوهش این بوده است که آیا «فرهنگ و مدیریت جهادی» و مفاهیم مرتبط با آن در کتب درسی سه دوره تحصیلی مدارس مطرح گردیده است؟ بدین منظور سه سوال پژوهشی با توجه به هدف تحقیق، طرح شد. ابزار بررسی «فهرست واری محقق ساخته» بوده است. تعداد ۴۱ جلد کتاب (۵۸۱۹ صفحه) دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی بررسی و مورد تحلیل قرار گرفت. روش پژوهش، تحلیل محتوای کمی با استفاده از روش‌های تحلیل تاکیدی و تحلیل حذفی است که با استفاده از این روش محتوا، مضمون،

شکل، تصویر و تمرین‌های کتب درسی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به لحاظ میزان توجه به مولفه‌های «جهاد سازندگی و فرهنگ و مدیریت جهادی» بررسی و تحلیل شده است.

یافته‌های تحقیق به شکل توصیفی در قالب جداول فراوانی و درصد و نمودار، ارائه شده است. برخی از یافته‌ها تحقیق نشانگر این است که در کتب دوره ابتدایی (پایه پنجم و ششم) و دوره راهنمایی (پایه اول و دوم) اصلاً به مولفه‌های جهاد سازندگی و فرهنگ و مدیریت جهادی پرداخته نشده است و از پایه سوم راهنمایی، فقط در کتاب تاریخ یک سطر از یک فصل (۷/۰ درصد) از جهاد سازندگی یاد شده است. در مقطع اول متوسطه و پیش دانشگاهی نیز اصلاً به مولفه‌های مورد نظر پرداخته نشده و از مقطع دوم متوسطه، فقط در کتاب آمادگی دفاعی نیم سطر از یک فصل ده صفحه ای (۳/۰ درصد) و در مقطع سوم متوسطه نیز در کتاب‌های: ادبیات فارسی ۴ سطر (۸ درصد) از یک درس و در تاریخ معاصر ایران کمتر از یک سطر (۴/۰ درصد) آن هم در لابلای مطالب دیگر، به نام جهاد سازندگی پرداخته شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جز برخی مفاهیم مذکور، به مولفه «جهاد سازندگی و فرهنگ و مدیریت جهادی» در کتب درسی پرداخته نشده است.

کلید واژه: تحلیل محتوا، کتب درسی، فرهنگ و مدیریت جهادی، جهاد سازندگی، جهاد کشاورزی.

الگو جهاد تنوتر

ماموریت واحد جوانان کانون سبکسازان سبک

(همکاری پیش کسوتان داوطلب جهاد، با جوانان جهادی کارآفرین)

بخشی در طول انقلاب حاصل شده. مدل‌های زیادی با تفکر و دانش و تجربه و رفع آسیب‌ها و ضعف‌ها به ثمر نشسته است ولی هر کدام در گوشه ایست. اکنون هنر بزرگ، کنار هم چیدن این مدل‌ها با تطبیق آنها به یکدیگر است که جز با روی هم ریختن تمام تجربیات مقدور امکان پذیر نیست.

ضرورت‌های مدل الگو:

۱. تئوری‌های بالادستی و روش انتخاب شده برای مدل باید روشن و در زیر مجموعه آن هماهنگی کامل مقدور باشد.
۲. در این مدل مدیریت منطقه‌ای پایدار و بادوام باید قابلیت جذب و اخذ علم و تجربه‌ای از تمام منابع ممکن ملی و جهانی و منطقه‌ای وجود داشته باشد. چون دیگر فرصت اشتباه وجود ندارد و حق اشتباه نداریم.

مقیاس مدل:

شک نیست که در مقیاس دهستانی تجربه‌های موفق زنده داریم. در مقیاس پروژه‌ای هم تجربیات موفق زنده داریم. در مقیاس بخشی و تخصصی همچنین، و لذا تکرار

مقام معظم رهبری: "باید نیروهای نخبه و جوانان دانشگاه‌ها در کنار متخصصین مجرب و متعهد جمع شوند و حرکت‌های نوینی را شروع کنند"

پاسخ به این سوال که مدل مدیریت جهادی در توسعه منطقه‌ای - به طوری که در دستیابی به اهداف جامع پیشرفت جهش حاصل شود - چگونه تحقق پیدا می‌کند، از مهمترین چالش‌های فکری نسل انقلابی جدید کشور است. شک نیست که این مدل باید بصورت عینی و زنده و امروزی وجود داشته باشد چون مردم احتیاج به دیدن و لمس مدل دارند. کارشناسان هم همین طور.

بخش خصوصی سرمایه داری و تعاونی و بخش عمومی در کشور کارهایش را کرده و مدل‌هایش را نوشته و در تمام کلان‌شهرها و غیر کلان‌شهرها تلاش می‌کنند و دستشان درد نکند. ولی یک جا هم می‌خواهیم هر آنچه در مدیریت جهادی - بومی - دانش بنیان - فرهنگی - اقتصادی - تجربی و مردمی داریم، در یک عرصه جمع کرده و مدل امروزی عملیات جمعی را با محوریت یک لجنه قرارگاه مانند - که قدرت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری داشته باشد - انجام دهیم.

تجربیات زیادی در توسعه منطقه‌ای و ناحیه‌ای و توسعه

**راهبرد اصلی الگو:
همکاری دو نسل
جهدگران باهوش و متعهد جوان
و پیشکسوتان مجرب جهاد
در تحت یک ساختار و مدیریت
جهادی
برای کمک به دولت
در تحقق اقتصاد مقاومتی.**

۵. اتکا به استعداد و انگیزه نیروی انسانی به عنوان منبع اصلی و نه اتکا به سرمایه و بودجه و سازمان
۶. تقدم فرهنگ و انگیزه و آثار الهی در مدیریت کلان در صورتی که در مقام تقابل با حداکثر کردن سود فعالیت‌های اقتصادی قرار گیرد. (طرح‌ها ملتزم به پیوست فرهنگی باشند)

ابعاد مختلف طرح‌ها در شوش: اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی طرح‌های الگوی شوش دارای ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و در شماره‌های بعد انشاء... توضیحات بیشتری راجع به آن داده خواهد شد.
در همین جا از محققان جهادی کشور دعوت می‌کنیم تیم جهادی کانون، این سنگ‌سازان بی‌سنگر ایشارگر را همراهی نمایند و در صورت امکان بصورت داوطلبانه فکری و عملی و پاره وقت به ایشان به پیوندند.

آنها ائتلاف وقت است و باید به مقیاسهای بزرگتر وارد شد. کلاً یازده سال تا سال چشم انداز باقیست و اگر بخواهیم یک "بخش" را انتخاب کرده و چند سال بیش برویم برای چشم انداز جواب نمی‌دهد، است چون در یک مرحله بعدی باید مدل بخش را به شهرستان تعمیم داده و چند سالی در یک شهرستان فکر و کار کرده مدل را تکمیل کنیم و دیگر مهلتی تا ترویج و اجرای الگو در سطح ۴۰۰ شهرستان کشور باقی نخواهد ماند.
لذا بهتر این بود که حداقل از یک شهرستان مدل "تلاش و مدیریت مردمی جهادی" شروع شود و شهرستان شوش در استان خوزستان به دلایل مختلف برای این حرکت در نظر گرفته شده است.

راهبرد اصلی الگو:

همکاری دو نسل جهادگران باهوش و متعهد جوان و پیشکسوتان مجرب جهاد در تحت یک ساختار و مدیریت جهادی برای کمک به دولت در تحقق اقتصاد مقاومتی.

اصول حاکم بر حرکت الگوی شوش:

۱. لزوم رهبری این الگو با پیشکسوتان مجرب و متعهد جهادی و مدیریت آن با جوانان جهادی نسل سوم است
۲. همکاری منسجم ولی بیشتر شبکه ای و نه هرمی (سلسله مراتبی) در طول انجام الگو
۳. فعال سازی حداکثری نیروها و ظرفیت‌های بومی
۴. نقش قرارگاهی کانون سنگ‌سازان بی‌سنگر و نه هزینه تراشی و سازمان سازی برای آن

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی):

باید نیروهای نخبه و جوانان دانشگاهها در کنار متخصصین مجرب و متعهد جمع شوند و حرکت‌های نوینی را شروع کنند



تهیه و تنظیم: علی مشایخی

مشورت، جهاد سازندگی

(اشاره: این مطلب از صحبت‌ها و مصاحبه‌هایی با پیشکسوتان جهاد استخراج شده است؛ که به یکی از سرفصل‌های مهم مدیریت در جهاد سازندگی یعنی «مشورت» می‌پردازد و کلیات این موضوع بررسی می‌شود.)

تعدیل می‌شد، وگرنه خیلی به آن عمل نمی‌شد. در این بحث‌ها همه دلایل خود را می‌گفتند و جمع قضاوت می‌کرد و نظرات افراد پخته می‌شد.

هماهنگی اولین نتیجه مشورت و ساختار شورایی بود. وقتی اعضای شورا همه مسائل کمیته‌ها و واحدهای دیگر را می‌دانستند باعث می‌شد که کمترین اشتباهات و ناهماهنگی‌ها در عمل به وجود بیایند. به علاوه اعضای شورا دائم با هم صحبت می‌کردند که سر از کار هم در بیاورند تا بتوانند به همدیگر کمک کنند و در صحنه عمل هم شعار «همه با هم» را متجلی کنند.

همچنین این سر از کار هم در آوردن باعث رشد بین بخشی می‌شد یعنی این‌ها که اول آمده بودند متخصص یک رشته بودند و بعد از شش ماه هر کدامشان همه کاره شده بودند. برای مثال مسئول کمیته فرهنگی از مسائل اجتماعی می‌گفت و خودش مسائل بخش فنی را یاد می‌گرفت. این مشورت‌ها سریع‌ترین نوع آموزش را پدید آورده بود. به همین دلیل مسئولین

مرکزی استان، شورای برنامه‌ریزی، شورای هماهنگی و ... که در مجموع بار اداره جهاد سازندگی کشور را این شوراها به دوش می‌کشیدند.

در شورا هر کسی که بودجه و امکاناتی می‌خواست بقیه از او می‌پرسیدند که «برای چه می‌خواهی؟» و او باید توضیح می‌داد و بقیه را توجیه می‌کرد، چون رئیس بقیه نبود. لذا همه تصمیمات کلی جهاد در این جلسات گرفته می‌شد، با هم توافق می‌کردند و همه اولویت‌ها تعیین می‌شد. نکته قابل توجه این است که هر یک از اعضای شورا مسئولیتی داشتند و هیچ کس نبود که فقط عضو شورا باشد. چرا که مسئولین قسمت‌های مختلف باید برای کل مجموعه تصمیم بگیرند و هم ایشان هستند که باید کارشان را با مشورت و هماهنگی با هم انجام دهند. به این ترتیب همه در جریان دیگر ابعاد توسعه و پیشرفت قرار می‌گرفتند.

اگر بخشنامه و یا قانونی می‌آمد باید آن را توضیح می‌دادند و همه نسبت به آن توجیه می‌شدند و نظراتشان را می‌دادند و احیاناً

قال النبی صلی الله علیه و اله: لا وحدة اوحش من العجب ولا مظاهرة اوثق من المشاورة
هیچ تنهایی وحشتناک‌تر از خود بینی نیست و هیچ حمایتی محکم‌تر از مشورت نیست.

در جهاد سازندگی افرادی دور هم جمع شدند که هدف مشترکی داشتند و حضرت امام خمینی آن را ترسیم کرده بود. آن هدف جهاد علیه دو دشمن داخلی و خارجی بود؛ دشمن داخلی فقر و محرومیت، و دشمن خارجی وابستگی. شعار محوری این مبارزه «همه با هم» قرار داده شد. یکی از مصادیق مهم این «همه با هم»، همه با هم فکر کردن یعنی «مشورت» است که تجلی بارزی در سازمان جهاد سازندگی داشت.

لذا مشورت در ساختار سازمانی جهاد سازندگی که بر این مبنا به وجود آمده بود نهادینه شده بود. بدین صورت که در جای جای آن ساختار کلمه «شورا» دیده می‌شد؛ شورای مرکزی جهاد، شورای

لذا مشورت در ساختار سازمانی جهاد سازندگی که بر این مبنا به وجود آمده بود نهادینه شده بود. بدین صورت که در جای جای آن ساختار کلمه «شورا» دیده می‌شد؛ شورای مرکزی جهاد، شورای مرکزی استان، شورای برنامه‌ریزی، شورای هماهنگی و ... که در مجموع بار جهاد سازندگی کشور را این شوراها به دوش می‌کشیدند.

قابل ذکر است علاوه بر این مشورت‌های مستقیم در جهاد سازندگی نوع دیگری از انتقال تجربیات رخ می‌داد؛ و آن هنگامی بود که اعضای شورای مرکزی و مسئولین کمیته‌های تهران به استان‌های مختلف سر می‌زدند و تجربیات و مسائل و اطلاعات هر یک از استان‌ها را به استان‌های دیگر می‌بردند.

اطلاع و قانع شدن افراد صورت گیرد باعث دلسردی آن‌ها می‌شود. چون ممکن بود مسئول قسمتی انتظاراتی داشته باشد و تصمیمات بر خلاف انتظار او شکل گیرد، بدون آنکه دلیل آن تصمیمات را بداند. در جلسات شورا اطلاعات اعضا یکسان می‌شد و در نتیجه اطاعت کردن از کسی که بالاتر بود همراه با اعتماد بود.

کمیته‌ها چیزهای زیادی می‌دانستند و در جریان مسائل کلان توسعه و پیشرفت استان و مسائل اقتصادی جهاد کشور قرار می‌گرفتند. در نهایت این رشد باعث شده بود که غالب مدیران چند سال بعد کشور از بچه‌های جهاد باشند. فایده مهم دیگر این رویکرد این است که اگر تصمیمات مربوط به بخش‌ها بدون



جلسه شورای هماهنگی تعطیل شدنی نیست ولو در محل نامناسب!



یادی از شهید قدرت الله امینیان

قائم مقام فرمانده عملیات مهندسی
قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع) پ.م.ج.ج.



انقلاب اسلامی شرکت گسترده داشت. وی پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه به خدمت مقدس سربازی رفت و در طول مدت خدمت همواره در جبهه‌های جنگ و جهاد در راه خدا حضور می‌یافت.

نحوه‌ی منش و برخورد او با جامعه باعث علاقه و محبت بیشتر بستگان و آشنایان به او شد. گویی که در چهره‌اش چیزی نمایان بود که او را از سایرین متمایز می‌کرد. از اتمام دوره متوسطه به عضویت جهاد سازندگی درآمد و همراه با جهادگران وارد جبهه شد. چندین بار به جبهه اعزام شد و در عملیات‌های مختلفی شرکت کرد.

مهندس «قدرت الله امینیان» در سال ۱۳۶۱ با عضویت در «جهاد سازندگی» منشأ خدمات صادقانه و بسیار مهمی در محورهای عملیاتی و خطوط مقدم جبهه شد، شهید قدرت الله امینیان: قائم مقام فرمانده عملیات مهندسی قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع) می‌شود و در تمامی جبهه‌های عملیاتی حضوری فعال می‌یابد. جبهه‌ای که او را تا لحظه عروجش میزبان بود و تا دروازه‌های بهشت مشایعت کرد. وی با سمت جانشین

حدیث مستان مست از می‌ناب الست را باید از زبان آنانی شنید که خود حلاوت سوختن و خاکستر شدن در طواف شمع وجود دوست را چشیده‌اند. از زبان شهید قدرت الله امینیان که شهادت خود را در آئینه صاف دل به راحتی دیده و عاشقانه به سوی آن رفت. همانی که در چهارم اسفند ۱۳۳۸ در خانواده‌ای مذهبی و متدین و مهربان دیده به جهان گشود. خداوند نوزادی به خانواده «امینیان» هدیه کرد که همچون خورشید می‌درخشید. او در همان دقایق نخست تولد، در قلب خویشان جای گرفت، طوری که همه نسبت به او اظهار علاقه می‌کردند. با ورود به دبستان و طی کردن دوران ابتدایی و متوسطه، در ادامه تحصیل، به سبب علاقه وافری که به علم و دانش داشت به «انستیتو مشهد» گام نهاد و در رشته مهندسی صنایع اتومبیل به کسب دانش پرداخت. وی همزمان با تحصیل، مشغول کار و تلاش بود و کوچکترین فشار مالی را بر خانواده خود تحمیل نمی‌کرد.

شهید «امینیان» همراه با ملت شریف ایران در تظاهرات و راهپیمایی‌ها علیه رژیم طاغوت پهلوی تا زمان پیروزی



در عملیات بدر نیز فعالیت‌هایی نظیر احداث کیلومترها کانال آب و ایجاد اورژانس‌ها، بیمارستان‌های مجهز صحرایی، ساخت و ترمیم دژ و چند قرارگاه عملیاتی در محل شرق رودخانه دجله، گوشه ای دیگر از خدمات جهاد سازندگی است که شهید امینیان نیز با فرماندهی مدبرانه خود برگ برگ صفحات دفاع مقدس را با لفظ «سنگ‌سازان بی سنگر» مزین کرد و بر افتخارات جهادگران و رشادتها و مردانگی آنها در خطوط مقدم جبهه‌ها افزود. قدرت ا. همواره مصداق بارز صداقت، پاکی، فروتنی، اخلاص، شجاعت، جوانمردی، مهربانی و عطف بود. چنانچه مهربانی پروانه ای بود، که همیشه بر گلبرگ لبانش آشیان داشت و معصومیت، زلال نوری بود که هر کس او را می‌دید شیفته اش می‌شد. به همین لحاظ در سخت‌ترین شرایط، هم‌زمان حرفش را به گوش جان می‌خريدند.

دلایر مردان قرارگاه حمزه ، شاهد حماسه آفرین‌های این بزرگ مرد بوده‌اند که گوشه‌هایی از آن را بیان کردیم.

سرانجام وی در حال انجام مأموریت‌های مهندسی ، در حال احداث پل و سنگر و خدمات دیگر مهندسی در منطقه عملیاتی سلیمانیه در خاک عراق، بر اثر انفجار مین هر دو دست و پایش قطع شد و به ندای حق لبیک گفت و به دیدار معبودش شتافت.

سردار «امینیان» در وصیت نامه اش از خداوند متعال استعانت کرده است تا زندگی اش را همانند زندگی حضرت محمد (ص) و آل اطهارش قرار دهد. وی همچنین جهاد در راه خدا را تکلیف و وظیفه شرعی خود و هم‌زمان دانسته و از خانواده خود خواسته است در صورت بروز مصائب و گرفتاریها به خدا پناه برند و برایش از آشنایان حلالیت طلب نمایند

فرمانده عملیات مهندسی قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) در عملیات پیروزمندانه طریق القدس، بدر، قادر ۲۰۱، والفجر ۹ شرکت فعال داشت و زیباترین حماسه‌های مهندسی را آفرید. از جمله عملیات مهندسی در محل دره شیلر که در شمال مریوان و پنجوین عراق قرار داشت. با لوله گذاری جاده به طول ۸۰ کیلومتر و احداث چندین کیلومتر خاکریز، احداث دو مورد پل بزرگ بر روی رودخانه‌های ذی و قزلجه، احداث و تعمیر بیش از ۳۸۵ کیلومتر جاده، ۱۲۳ مورد سنگر و خدمات دیگر مهندسی رزمی که منشأ پیروزی رزمندگان در عملیات آنان بود.

سنگر ساز بی سنگر قدرت ا. در تمامی فعالیت هایش و در تعامل کاری با دیگر هم‌زمان در تمام بخشهای مهندسی جنگ جهاد سازندگی موفق بود و لحظه ای از تلاش نمی‌ایستاد و در راه هدف خود از هیچ کاری مضایقه نمی‌کرد و در همه کارها پیش‌تاز بود. خطرهای رابه جان پذیرا بود تا جایی که بارها و بارها قامت رسایش بر اثر گلوله و ترکشهای دشمنان زبون آسیب دید اما ایمانش به ادامه راه هرگز آسیب پذیر نبود.

همچنین فرماندهی احداث ۲۶ مورد پل «کارگودین» و جاده، پد بالگرد، ساخت ۲۵ مورد پل «آرمیکو»، چهل مورد پل لوله ای در محور «مکتب» به «دراو»، ۳۵ مورد پل در جاده «حصار دوست» و جاده «هارکوت»، احداث ۶ سایت موشکی با تأسیسات لازم، احداث ۹۴ سنگر اجتماعی از نوع سوله ای، ۱۸ باند هلیکوپتر و دیگر خدمات شایان مهندسی او بود. در عملیات قادر در قلب پیرانشهر و ساخت ۱۴۳ کیلومتر جاده عملیاتی و ارتباطی و ایجاد بیش از ۳۰ کیلومتر خاکریز با ارتفاع ۱ تا ۳ متر، ساخت ۷۷ دهنه انواع پل، احداث ۹ قرارگاه عملیاتی و صدها سنگر و سکوی استقرار سلاح کاتیوشا، موضع و سکوی پدافند ضد هوایی در عملیات والفجر ۹ در محل شرق چوارته عراق حضور و مدیریت داشت .

سلام خالصانه مرا به همه فرماندهان عزیز و شجاع و رزمندگان ظفرمند پیروز سپاه و بسیج و ارتش و هوانیروز و نیروی هوایی و جهادگران دلاور و گمنام و امدادگران و کلیه نیروهای مردمی و کرد ابلاغ کنید.

حضرت امام خمینی(ره) در پاسخ به نامه فرمانده وقت کل سپاه به مناسبت عملیات والفجر ۱۰

صحیفه امام(ره)، جلد ۲۰ - صفحه ۵۰۱

به بهانه سالروز عملیات والفجر ۱۰

جهادگران؛ دلاوران گمنام

زمانی که شهرهای مختلف ایران از سوی دشمن به شدت بمباران می‌شد، عملیات والفجر ۱۰ در ساعت ۲۳:۲۰ دقیقه شب ۲۵ / ۱۲ / ۱۳۶۶ با رمزبارک یا رسول الله(ص)، با هدف‌های آزادسازی بخش وسیعی از استان سلیمانیه و انهدام ماشین جنگی دشمن به مرحله اجرا گذاشته شد.



شماره ۸۰ - بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۲

نزدیک می‌کرد. در سال ۱۳۶۳ نیز عملیاتی در منطقه مریوان صورت گرفت که به نام عملیات هزار و یک شهید معروف است. شاید برای بعضی از خوانندگان قله‌های هزار و یک شهید نامی آشنا باشد اما دلیل این نامگذاری را ندانند: قله‌های فراوانی از جاده‌های مریوان تا قله شمیته که جزو خاک ایران محسوب می‌شوند، در اختیار نیروهای احزاب منحل کومله، دموکرات قرار داشت. طبق شناسایی‌های مربوطه، پیش‌بینی فرماندهان نظامی ایران، آن بود که برای آزادسازی آن منطقه احتمالاً هزار شهید بدهند بنابراین، قله‌های آن منطقه به هزار و یک شهید معروف شد. اما وقتی عملیات انجام شد، تنها با یک شهید، منطقه‌های دزلی را آزاد کردند، که پس از آزادی دزلی، ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد چهارمحال بختیاری و جهاد دامغان در آن نقطه مستقر شدند. در این مسیر، جاده‌های بسیار وسیعی از دزلی تا نوسود و حجیج و از حجیج تا هورمان و هم چنین جاده ای به قله ملخور کشیده شد تا

فرماندهان نظامی ایران بعد از عملیات‌های منطقه ماووت و توسعه نفوذ در بین کردهای عراق، راهکار دیگری اندیشیدند: احزاب کرد عراقی با نهایت عشق، علاقه و رضایت خاطر رزمندگان را در روستاها و حتی شهرهای شان امکانات داده بودند؛ تا بدین وسیله بر حزب بعث عراق پیروز شوند. ایران نیز توانسته بود از این طریق با جلال طالبانی و مسعود بارزانی به توافق‌هایی دست یابد؛ از سوی همین گروه‌ها، کردستان عراق را از سیطره رژیم بعث عراق بیرون آورد. عملیات‌های پارتیزانی ایران در منطقه‌های کرکوک و اربیل با نظارت قرارگاه رمضان از موفقیت‌های آن سال ایران محسوب می‌شود؛ برای آن که ایران بتواند امکانات و تجهیزاتی را با سهولت به مناطق کرکوک و اربیل منتقل کند، می‌بایست از مرز شانه‌دری، سیدصادق، خرما، بیاره و حلبچه به سوی سلیمانیه راهی را پیدا می‌کرد؛ تا بتواند حضورش را در شمال عراق افزایش دهد؛ که اتصال ماووت به سلیمانیه که در عملیات بیت المقدس ۲ انجام شده بود، آن هدف را

این عملیات، چنان دشمن را وحشت زده و عصبانی کرد، که در یک اقدام ددمنشانه شهرهای حلبچه، دوجیله، دشت‌های بیاره، خرمال و سیدصادق را بمباران شیمیایی کرد. زیرا که با ورود نیروهای جمهوری اسلامی ایران به آن شهرها استقبال مردمی از رزمندگان ایرانی به اوج خود رسیده بود.

فاجعه انسانی که در حلبچه به دلیل بمباران شیمیایی دشمن رخ داده بود، توقف عملیات والفجر ۱۰ را موجب شده بود.

نیروهای جمهوری اسلامی ایران ناگزیر به یاری آسیب‌دیدگان پرداختند؛ و چند روز پس از عملیات، راهبرد نیروهای ایرانی دگرگون شد؛ و به امداد رسانی و کمک به مردم بی دفاع حلبچه، خرمال و سیدصادق پرداختند.

جهاد سازندگی با انتخاب شهردار برای شهرهای آزاد شده و ارتباطی که با نیروهای مردمی داشت توانست مردم بی دفاع را به قله‌های کوه شمشیر سورن، دالایی و بالامبو منتقل کند. تعدادی از مردم مناطق آزادشده نیز به منطقه‌های دزلی، پاره و غرب کشور در کنگاور انتقال داده شدند.

جهادگران استان‌های چهارمحال بختیاری و دامغان در خصوص جاده‌های مواصلاتی بین شهرهای مریوان، نوسود، پاره، حلبچه، خرمال، بیاره و سیدصادق وظایف بی‌شماری را عهده‌دار شدند.

زمانی که فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء در یکی از نقاط سورن (ملخور) همان جایی که جهادگران چهارمحال بختیاری با تخریب سنگ‌های سخت قله‌ها جلو رفته بودند، فرماندهی سپاه پاسداران از جهادگران دعوت کرد تا از زحمات جهادگران در عملیات والفجر ۱۰ که در نوع خود، عملیات بزرگی محسوب می‌شد، قدردانی کند.

خلاصه

عملکرد پشتیبانی - مهندسی جنگ جهاد در عملیات والفجر ۱۰:

- * احداث و ترمیم بیش از ۲۹۰ کیلومتر انواع جاده‌های عملیاتی و تدارکاتی؛
- * احداث ۲۷ کیلومتر خاکریز؛
- * احداث ۱۵ دهنه پل متحرک، از نوع آلومینیومی، سیم بکسلی و تله کابینی؛
- * احداث ۱۹ دهنه انواع پل لوله‌ای، آرمیکو، شاسی، فلزی و قادر؛
- * احداث ۴ دهنه پل (باکسی) بر روی رودخانه (زیمکان)؛
- * احداث ۴۳ هزار متر مربع (پدلهی کوپتر) در محورهای مختلف عملیاتی؛
- * احداث ۱۶ هزار متر مربع (مقر ترابری) با استحکامات مورد نیاز؛
- * احداث ۲ مقر پدافند هوایی به مساحت ۱۵ هزار متر مربع؛
- * احداث ۷ کیلومتر کانال آب که ۳ کیلومتر از آن به عمق ۴ و عرض ۱۲ متر بوده است؛
- * احداث ۱۰ هزار متر مربع پارکینگ وسایط نقلیه و ...؛
- * تسطیح محوطه به میزان بیست و شش هزار و یک صد متر مربع؛
- * احداث یک بیمارستان و موقعیت (ش.م.ر.) با تجهیزات مورد نیاز؛
- * احداث ۶۸ سنگر خودروهای سبک و سنگین؛
- * احداث ۳۸ سنگر بزرگ مهمات؛
- * احداث ۷۱ سنگر لوله و فلزی برای استفاده نفرات و مخابرات؛
- * احداث ۳۳ موضع توپ خانه و ادوات نظامی (لوله‌ای و نعل اسبی)؛
- * احداث و راه اندازی سه باب حمام صحرایی ...؛
- * ده‌ها فعالیت امدادی، پزشکی، پشتیبانی و مهندسی در محورهای مختلف.

عقبه جبهه استحکام پیدا کند. جهادگران چهارمحال بختیاری که این جاده‌ها را احداث می‌کردند، یک سال و اندی تلاش کردند. البته در این مدت چند بار هم عملیات ایذایی در آن نقطه انجام دادند؛ تا توان نظامی عراق ارزیابی شود، در عملیات‌های ایذایی نیروهای جمهوری اسلامی ایران تعدادی از افرادشان را نیز از دست دادند.

در تاریخ ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۶۶ عملیات دیگری به نام عملیات بیت المقدس ۳ در بیست کیلومتری شهر سلیمانیه آغاز شد؛ که بعدها به نام عملیات والفجر ۱۰ با همان رمز یا رسول‌الله به سوی منطقه عمومی حلبچه ثبت شد، گستره آن عملیات چنان بود که چند گردان از گردان‌های پشتیبانی -

مهندسی جنگ جهاد، به منطقه فراخوانده شدند، که از آن جمله، گردان‌های فارس، اصفهان، یزد و ... در آن منطقه حضور پیدا کردند. گرچه در منطقه‌ی حلبچه از پیش بین حلبچه، خرمال و سیدصادق به سمت سلیمانیه، جاده‌هایی آسفالت‌ه وجود داشت اما جاده ای در دشت وسیع شاخ شمیران، بالامبو و آب شیروان به سوی دشت حلبچه کشیده شد. جاده ای نیز از پنج قله به سوی بیاره و نوسود؛ از محله سورن به سوی سید صادق از سوی دالایی به سوی خرمال توسط گردان‌های پشتیبانی - مهندسی جنگ جهاد استان‌های چهارمحال و بختیاری و دامغان کشیده شد.

جاده کربلا،

گذرگاه فاتحان عملیات والفجر ۱۰

متنی که در ذیل ملاحظه می‌نمایید به قلم نصرت‌الله محمودزاده یکی از جهادگران است که در جریان ساخت جاده کربلا در منطقه عملیاتی حضور داشته و در مجله جهاد، شماره ۱۰۸ اردیبهشت ۱۳۶۷ چاپ شده است. توضیح اینکه؛ عکس‌ها و تصاویر به کار گرفته شده در این متن مربوط به فعالیت‌های مختلف جهادگران در هشت سال دفاع مقدس بوده و الزاماً مرتبط با عملیات والفجر ۱۰ نیست.

ساعت از نیمه شب گذشته بود و ریزش برف همچنان بیشتر و لکه‌های سفید بر روی هم انباشته می‌شد. سردی هوا سبب یخ زدن برف‌ها می‌شد و ضخامت توده‌های برف را بیشتر می‌کرد. دیگر جاده کاملاً محو شده بود و اثری از آن دیده نمی‌شد. در امتداد جاده محو شده صدای ممتدی که از سر شب در کوه پیچیده بود، همچنان به گوش می‌رسید و به طور یکنواخت در دل صخره بزرگ قله «ملخور» ضبط و بلافاصله پخش می‌شد. این یکنواختی، جلوه ای عادی در گوش‌ها ایجاد کرده بود به طوری که آن را صدا نمی‌پنداشتند.

تعدادشان به ده نفر می‌رسید. برف سفیدشان می‌کرد و سپس آن برف‌ها آب شده و دوباره هیکل شان در دل شب به سیاه جامگان مبدل گشته و در میان سفیدی کوه خودنمایی می‌کرد. سرمای قله ملخور هجومی وحشیانه به آنها می‌آورد، به طوری که ظاهراً راهی جز تسلیم نداشت. سه چکش سه نقطه از تخته سنگی بزرگ را سوراخ می‌کرد و با فشار چکش کارها هر لحظه عمقشان بیشتر می‌شد. لرزش ناشی از حرکت چکش بدن‌ها را به لرزه



دنیا شده بود و هر ذره در وجود یکی از افراد حاضر در آن جبهه تقسیم و آن خواب خوش در صدد رفتن بود. آن افراد محدود جهادگر که درون صخره‌های سنگ کار می‌کردند مستثنی بودند و رضایت چهره‌ها در پس سرما و سختی طاقت فرسای زیر چکش، بیشتر نقش معما را بازی می‌کرد. روزهای آنها حکایتی دیگر را در پیش داشت و صدای رگبار و انفجار گلوله خمپاره عراق در اطراف جاده هنوز هم در کوه طنین می‌انداخت و رضایت کار کردن در میان برف و سرما به ازای دور شدن از شر آتش دشمن بود. سرما شدت یافته و یخ زدن‌ها در حال شکل گرفتن بود. اولین چکش که از کار افتاد، تحمل سختی وارد مرحله جدیدی شد، فشار باد اثری در چکش یخ زده نداشت. صدا که قطع شد، او را به فکر فرو برد

درآورده بود و لحظه ای آرام نداشتند. دست‌ها در اثر سرما حسشان را از دست داده بودند و فشار بر روی چکش کم شده بود. آن که جلوتر از بقیه کار می‌کرد، دسته چکش را زیر شکم قرار داده، تمام نیروی بدن را به کمک می‌طلبید و به دنبالش دیگر دست‌های یخ زده به تقلید از اولی کار را از رکود بیرون آورده و بدین ترتیب در دل سرمای کشنده کارشان رونق گرفت. چند ساعت به سپیده صبح وقت داشتند. تعداد چال‌های انفجار به پنجاه رسیده بود و برای انهدام سنگ، چال‌های بیشتری نیاز بود. تنگه در سکوت فرو رفته بود و هیاهوی روزانه در دل سنگر، چادر و مقرهای دیگر به خواب شبانه مبدل گشته بود. تیربارچی‌های عراقی و خمپاره اندازهایشان هم ترجیح داده بودند به استراحت بپردازند. خستگی به قد یک

به جهادگران گفته بودند اگر در زمستان این جاده احداث شود، دشمن غافلگیر خواهد شد و نتیجه عملیات موفقیت آمیز خواهد بود. به آنان گفته بودند اگر یک ساعت دیرتر این جاده تحویل بسیجی ها شود، لشکر کفر ...

سنگرها از شب تا صبح کاملاً محو شده و اثری از آن به جای نمی ماند ولی انسان هایی از دل هم سنگرها برف ها را کنار زده و پای به جاده ای می نهادند که هنوز اول کارش شکل نگرفته بود و بیشتر توان را در برف رومی به کار می گماردند. هر بار که جاده مقاومت می کرد، یک مشق از اهمیت عملیات مطرح می شد و افراد بیشتری به اکپ اضافه می شدند. این مقاومت جاده و اضافه شدن نیرو و امکانات هر روز بیشتر و بیشتر شد تا آن شب که چکش ها یخ زدند. آنها که سرپرستی جاده را به عهده داشتند، آتشی تدارک دیده و چکش ها را به کار انداختند. آتش در میان سرما، گرما بخش حیات جاده شد و کارها رونق گرفت. لباس های خیس تمایل به یخ زدن داشتند و در اثر برخورد با بدن جهادگران احساسی عجیب پدید می آوردند. اکثر کارها در میان برف و در مواقعی باران با لباس خیس انجام می شد و این امر غیر عادی عادت شده بود، اما چطور؟

دمدمه های صبح، سنگ برای تخریب آماده بود. همراه با اذان صبح انفجاری مهیب قسمتی از قله ملخور را به لرزه درآورد و آن سنگ هم از سر راه برداشته شد. بلدوزر جاده را تعقیب نمود. پیچ

ارشد در وجودش می غریب. از لردگان بختیاری که به قصد جبهه حرکت کرده بود، باورش نمی شد به جاده ای با چنان ویژگی پای نهد. ابتدا برای رسیدن به دشت و شهرهایش لحظه شماری می کرد ولی چند شب و روز کار در آن شرایط، فکرش را عوض کرد و به گونه ای دیگر به عملیات اندیشید. نمی دانست کی جاده تمام می شود ولی می دانست جاده به راحتی تمام نخواهد شد. اسمش خالدي بود و زمستانی که سر می کرد، زمستان چهل و پنجمی بود که در عمرش شاهد

آن ده نفر اولین بارشان نبود که بن بست را می دیدند. دفعات مقابله با سرما و آتش دشمن طی ده شب گذشته آن قدر بود که حدود پیشرفت جاده مواقعی به صفر می رسید و فقط حضور جهادگران روی جاده عده ای را خوشحال می کرد. برف که با بوران همراه می شد، به هیچ جنبنده ای رحم نمی کرد و همه چیز را می بلعید.

در دل تاریکی به دور دست خیره شد. دور دستی که قرار است بدانجا برسند، دشتی که هنوز پای به آنجا نگذاشته بود. آن روزها که هوا صاف بود و از روی قله «ملخور» دشت و شهرهایش پیدا بود را به یاد آورد. از چراغ های روشن حلبچه شروع کرد. آخر دشت حلبچه بود و در قسمت پایین آن خرما و سمت راستش سید صادق. «چکش کار» این اسم ها را از فرمانده خود شنیده بود. به او گفته بودند اگر این سنگ ها را بشکافیم و در کنار شیار پیچ در پیچ جاده ای بزنیم؛ همگی به دشت خواهیم رسید و عملیاتی بزرگ شکل خواهد گرفت. به او گفته بودند اگر در زمستان این جاده احداث شود، دشمن غافلگیر خواهد شد و با شهدای کمی، این عملیات به انجام موفق خود خواهد رسید. به او گفته بودند اگر یک ساعت دیرتر این جاده تحویل بسیجی ها شود، صدام یک ساعت زودتر اقدام خواهد کرد و شاید همان یک ساعت هزاران اتفاق بیفتد. به او گفته بودند تنها این عملیات وسیع است که می تواند ملت ما را در برابر کفر پیروز نشان دهد. به او گفته بودند که...

چکش یخ زده در دستی که تمایل به یخ زدنش هر لحظه بیشتر می شد شبیه به جنازه ای بود. آن چکش یخ زده نه تنها برای تحقق بخشیدن به آنچه به او گفته بودند، اثری نداشت، بلکه سایه غمی بود که در دل شب قلبش را محاصره می کرد. او کارگری بیش نبود ولی طپش قلبش به خاطر آغاز عملیات به سان فرماندهان





دوم در حال شکل گیری بود و می‌رفت که صخره‌های سنگی و جاده مقابل هم قرار گیرند. جاده درست از سینه کش چند صخره عبور می‌کرد و این عبور انفجار زیادی را می‌طلبید. از بالای قله ملخور که به تنگه نگاه می‌کردی تنها راه رسیدن به دشت وسیع خرما - حلبچه همین راه انتخابی به نظر می‌رسید و به دلیل شیب زیاد، پیچ‌های متعددی را به دنبال داشت. برف بند آمده بود و آن تغییرات ناگهانی هوا یک بار دیگر ابرها را پس زد و همه جا روشن و صاف شد.

آفتاب از پس کوه به روی برف‌ها تابیده و به دنبالش سقوط بهمن شروع شد. یک بار دیگر دشت و شهرها چون پرده سینما به نمایش در آمد و چشم‌ها را به خود خیره کرد.

آنها که روی جاده کار می‌کردند بیشتر

می‌نشست، اصابت آن به سنگ‌ها با صدا همراه بود. هر گلوله آنها را به مرگ تهدید می‌کرد و می‌توانست در بدنشان فرود آید. آفتاب در هوای صاف گرمایی نداشت و بچه‌ها ترجیح داده بودند در میان برف و بوران به کارشان ادامه دهند بلکه از شر آتش دشمن خلاص شوند. روز که می‌شد تعداد افراد بیشتر شده و هر گروه در قسمتی از جاده به کار مشغول می‌شدند. تعداد افراد به طور تصاعدی بیشتر می‌شد و زمانی به حداکثر خود می‌رسید. این حضور گسترده مایه گرمی محیط کار شده و بُرد آتش دشمن را کم می‌کرد. صدایی دلخراش چشم‌ها را به ریزش کوه خیره کرد. سنگ‌های بزرگی در اثر آب شدن برف‌ها به طرف جاده سرازیر شده بود که وزن بزرگ‌ترین‌شان به یک تن می‌رسید. جهت حرکت آنها به طرف همان گروهی بود که شب گذشته کار می‌کردند. تلاش آن گروه برای نجات همراه با فریاد کسانی بود که شاهد سقوط سنگ‌ها بودند. آخرین نفری که معرکه را ترک می‌کرد همان خالدي بود. سنگ‌ها بدنش را در محاصره قرار داده و اصابت یکی از آنها به سرش او را از پای انداخته بود. دیگر حرکتی نمی‌کرد. سکوتش در میان سنگ‌ها نگرانی را در دل‌ها کاشت. شهادتش

تپه ای را می‌نگریستند و در انتظار مرحله دیگری از کار بودند. آفتاب به ظاهر گرمابخش کارشان بود ولی رگباری که اگر شروع می‌شد رهایشان نمی‌کرد، فقط در هوای صاف به رویشان شلیک می‌شد و صحنه‌ی کارزار به گونه ای دیگر می‌گشت. **صدای اولین چکش تیربار را به تحرک واداشت و نبرد شکل گرفت.** عراق می‌دانست «دوشکا» را به کدام سمت بگیرد. گلوله درست در اطراف کارشان به سنگ‌ها اصابت می‌کرد. جاده اولین پیچ را که به خود دید، این عمل شروع شد و دیگر قطع نشد مگر مواقعی که هوا ابری یا مه آلود شده و از دید خارج می‌گردید. ابتدا که دوشکا کار می‌کرد رعب و وحشتش همه کارها را تعطیل کرده بود. آنگاه که اهمیت جاده در ذهن‌ها تداعی شد، کار به گونه ای دیگر دنبال شد. آن که با چکش کار می‌کرد، با شروع رگبار سرش را پایین گرفته بود، دستهایش دسته چکش را رها نمی‌کرد و همچنان عمق چال را بیشتر می‌کرد. گلوله در اطرافشان به زمین

خستگی به قد یک دنیا و هر ذره آن در وجود یکی از جهادگران آن جبهه تقسیم شده بود. اما آن افراد محدود جهادگر که درون صخره‌های سنگ کار می‌کردند تا جاده کربلا را برای فتی عظیم آماده نمایند، مستثنی بودند؛ و رضایت چهره‌ها در پس سرما و سختی طاقت‌فرسا در زیر چکش، بیشتر نقش معما را ایفا می‌کرد!





پس از آن همه زحمت، فضای جاده را در مظلومیتی فرو برده بود. همه دورش حلقه زدند. بچه‌های جهاد چهارمحال و بختیاری کاملاً او را می‌شناختند. چند قطره اشک در چهره بعضی از آنها موج زده و سپس پنهان گشت. آن اشک گمنام از دلی پر درد برخاسته بود و همه کس حکایتش را نمی‌فهمید. آن که بیشتر و غمبارتر از همه در حدیث عشقش گریست، به جمعیت حلقه زده در دورش نگاهی انداخت و به لهجه بختیاری به آنها گفت از این پیچ جاده را تمام کنید، من او را به خانواده اش رسانده و بر می‌گردم. صلاح نیست او را تنها بفرستیم. تعدادی فلسفه صلاح را فهمیده بودند و تعدادی به احترام شهید، اعتراض نکردند. شهید را لای پتو پیچیدند و سپس بلدوزر سنگ‌های کُشنده خالدي را کنار زده، کارها مجدداً از سر گرفته شد. امکانات تماماً در اختیار احداث جاده قرار گرفته بود و هر کس به کاری دل بسته بود. کردستان آخرین برف‌های سنگین را به خود می‌دید و قله ملخور که رأس کارهای بچه‌ها بود، با ۲ متر برف مرکزیت برف‌گیری منطقه به حساب می‌آمد. آنان که از چهارمحال و بختیاری برای جاده بسیج شده بودند، در گوشه و کنار قله مستقر و به کاری مشغول بودند. ترددی در جاده انبوه از برف انجام نمی‌شد و تدارکات به صفر رسیده بود. نان‌های خشک و کنسرو برای چندمین بار از گوشه سنگر به کار گرفته شد و بدن بهانه جاده را تداوم بخشیدند. روزها و روزهای این چنین پشت سر گذاشته می‌شد و ناامیدی در لابلای سنگ‌هایی که منفجر می‌گردید، به هوا پرتاب می‌شد و جاده با پیچ‌های تند، تنگه را پشت سر گذاشت و به دشت نزدیک‌تر گشت. عراق آتش خمپاره را شدت بخشید و جدیت روی جاده به مرحله جدیدی رسید.

راه باریکه آنها را از جا کنده و به جاده جهت می‌داد. کار کردنش زیر آتش سرعت بخش کارها شده بود که انفجار خمپاره ای صورتش را خون رنگ کرد و بلدوزر توقف نمود. ترکش خمپاره سینه و دست و صورتش را نشانه رفته بود. بلند شدنش از روی صندلی همراه با درد بود، تحمل این درد تا زمانی بدنش را مقاوم نگه داشته بود که پای به زمین نهاد و سپس نقش زمین گشت. جهادگران همراه با شور آمیخته به عشق او را بر روی دست‌ها قرار دادند و به اورژانس منتقل کردند. آن گاه که در همان فضا چکش‌ها به راه افتاد، بلدوزر به کوه کنی مشغول شد، تدارکات از سر گرفته شد و عراق هم شرارت خود را از سر گرفت. انتظار برای اتمام جاده در چهره‌ها بیداد می‌کرد. روزهای مناسب انجام عملیات از دست می‌رفت. صدام کلیات عملیات را فهمیده بود ولی در چگونگی آن هنوز سر در گم بود.

با حضور انسان‌ها به همراه بلدوزر همه چیز به گونه ای دیگر مطرح و طرح عملیات فراتر از این‌ها در ذهن‌ها تداعی شد حضور تانک‌ها و لشکرهای زرهی هر روز روی قله ملخور بیشتر می‌شد. دورنمای دشت و شهرهای حلبچه و خرمال در روزهایی که هوا صاف بود، چشم‌ها را خیره می‌کرد و یکی از عوامل تحرک محسوب می‌گردید. انفجاری دیگر سنگی دیگر را متلاشی کرد و صخره را کنار زد. پس از انفجار نوبت راننده بلدوزر بود که جاده را در لابلای سنگ‌های متلاشی شده شکل دهد. دینامیت صخره را کاملاً متلاشی کرده بود. چشم‌ها به تیغ بلدوزر خیره شد. راننده در راه باریکه جاده، بلدوزر را به سنگ رساند و تیغش را برای تکان دادنش بکار گرفت. تمام قدرت بلدوزر در همان نقطه متمرکز شده بود و سنگ مقاومت می‌کرد. انفجار گلوله خمپاره در اطراف بلدوزر نگرانی را بیشتر کرد و چشم‌ها به راننده که «اسحاق» نام داشت خیره شد. او با سنگ‌ها با ظرافت کار می‌کرد و در امتداد



این بار قبل از عملیات، جنگ شهرها را شروع کرد و در واقع با جنگ روانی قصد انحراف افکار از عملیات آتی را داشت. از آن پس کار روی جاده به گونه ای دیگر تداوم بخشیده شد. در آن شبی که فرمانده کل سپاه پاسداران در تعجیل اتمام احداث جاده به صحبت با جاده سازان نشسته بود، هر چه در دل داشت به زبان آورد:

«ما این روزهایمان را نباید به راحتی از دست بدهیم، تمام دنیا ما را به محاصره ای گرفته اند که نهایت حرفشان صلح تحمیلی است. شهرهایمان را به موشک و بمب بسته اند که مردم را از پای درآورند، ولی مردم مثل گذشته مقاومت می کنند و در انتظار جواب هستند. آنها جوابشان را از ما می خواهند. خوب حق هم دارند. همیشه جواب شکننده به صدام را در جبهه ها دادند، این بار هم می خواهیم همان دشت و چند شهری که از جاده دیده می شود را آزاد کنیم.

تنها راهی که برای رسیدن به دست داریم همین جاده ای است که شما کمر همت به احداث آن بسته اید. تحمل برف و بوران منجر به عینیت بخشیدن یک غیر ممکن دیگر می شود و اصل بر این بود که در این شرایط راه عبوری به دشت داشته باشیم!

که شما آن را ممکن خواهید ساخت.»

از آن پس احداث جاده سرعت بیشتری گرفت و صحنه نبرد بگونه ای دیگر شد. عراقی ها از روی تپه ای که مشرف به تنگه بود، دیوانه وار شلیک می کردند و گلوله کالیبر لحظه ای بلدوزر را رها نمی کرد. با شلیک مداوم ربع و وحشت آن قسمت از جاده بیشتر شد. راننده بلدوزر تصمیم گرفته بود کار را یکسره کند، یک ماه کار کردند و جاده بدانجا رسیده بود. لشگرهای عمل کننده حتی نیروی پیاده خود را از تنگه عبور داده بودند. عملیات شروع نشده

بود ولی تمام صحنه، ندای شروع عملیات را سر می داد.

راه مال روی تنگه را بسیجیان لحظه ای آرام نمی گذاشتند و در این راه مانند شلوغ ترین خیابان های شهر تردد می شد. آنکه جسد خالدي را به کوه های بختیاری رسانده بود، مجدداً برگشته بود و آنان که اشکی گمنام در چهره شان نمایان شده بود، به دورش حلقه زدند. هر کدام از این حلقه از دیاری غریب آمده بودند که بیشترشان در چگونه زندگی کردن فصل مشترکی با خالدي داشتند و در انتظار زدودن غبار نگرانی بودند.

«از اینجا که او را بردم، ۲۲ بهمن به لردگان رسیدیم. سردی هوا کمتر از اینجا نبود. برف تمام کوه های بختیاری را گرفته بود. از شهر تا روستایشان چند ماشین او را همراهی کردند و جسد را به خانه اش رساندیم.

چهار بچه دور مادری حلقه زده بودند و با دیدن تابوت به حیاط پر برف هجوم آوردند. اول فکر می کنند آن پسرشان که به سربازی رفته را آورده ایم. خانه ای گلی که دربی چوبی و کوچک و پنجره ای کوچک تر آن را نور می داد. زیلوئی تمیز کف اتاق را پوشانده بود و صندوقی قدیمی در کنج اتاق دیده می شد. فقر از هر گوشه خانه خود را نشان می داد و آنجا فقط من می دانستم که خالدي برای چه و در چه شرایطی شهید شد یعنی گریه ای که امانم را بریده بود، مردم را متوجه این امر کرد و حدس زده بودند این شهید از کجا آمده. گریه بچه هایش دل سنگ را هم آب می کرد، مادر شکر خدا را می کرد ولی در این اندیشه بود که باقی زندگی بدون او را چگونه سپری کند. خالدي کارگری روزمزد بود و دستمزدش را روزانه به کانون خانواده روانه می کرد، تمام سرمایه

آنها همان کلبه ای بود که خانه و زندگی نام داشت. اقوامش در میان کوه ها پراکنده بودند و برف های انبوه اجازه انتقال خبر را نمی داد، درست مثل همین جا که وقتی جاده مسدود می شود، فقط بی سیم ارتباط ماست گویی کوه ها به صدا در آمده بودند و خبر شهادت خالدي را به تمام بختیاری ها



می رساند. او ششمین شهید روستا بود و پس از دفن برف آن قبر تازه را در خود بلعید و روستا به حال اولش برگشت.»

چهره هایی که ماجرای تشییع جنازه خالدي را می شنید، در هم فرو رفته بود و اشک های گمنام، یک بار دیگر به عرصه ظهور نشست. شاید به فکر عاقبت خود بودند. آنها از گوشه و کنار این دیار و با ویژگی مشترک جمع شدند و کمر همت در احداث جاده ای بسته بودند که می توانست به جنگ آبرو بخشد. حرف های فرمانده کل سپاه ذهنشان را از خالدي دور کرد و صدای کالیبری که همچنان قصد داشت

گرفته شد.

لحظه ای در ادامه کار تردید کرد و بین دو راهی قرار گرفت. تپه ای سرسبز که عراقی‌ها روی آن مستقر بودند را از نظر گذراند. تهدید گلوله کالیبر، دورنمای دشت و شهرهایش، آن سخنان فرمانده سپاه، موشکباران شهرها، تشییع جنازه خالدی، چهره‌های نگرانی که به او چشم دوخته بودند و اثر سختی کار یک ماه در آنها نمود پیدا کرده بود. بسیجیان پراکنده در تنگه، لباسی که از شب گذشته خیس شده بود و بدنشان را می‌لرزاند و خلاصه آن سنگی که قصد مقاومت داشت، هر یک حرفی تازه با او داشتند.

فرمانده جهاد تمایلی به دیدن صحنه نداشت، تجسم کارهای طاقت فرسای یک ماه گذشته چون برق از نظرش می‌گذشت و آن تاکیده‌های مکرر مسئولین جنگ او را چون چرخ و فلک در کوه به چرخش در آورده بود.

قله ملخور، محور چرخ فلک بود و دشت، دریاچه دربندیخان، حلبچه، دوجیله، سیدصادق، خرمال نبردی سخت در دشت و صحنه‌های دیگر - که به دیده اش غریبه بود - در حول آن می‌چرخید.

صدای کالیبر از دو طرف بر می‌خاست و عکس العمل آن در کوه می‌پچید. دیگر صلاح بر این بود که راننده جان پناهی را برای دفاع انتخاب نماید. این صلاح را همان فرمانده جهاد تشخیص داده بود و می‌رفت که کار را متوقف کند. هنوز چند قدمی نرفته بود که سایه ای تمام بلدوزر را فرا گرفت و به دنبال آن، بلدوزر و راننده در میان مه گم شد و از دید تیربارچی عراقی محو گشت. چشم‌ها در میان ناباوری به مه و راننده خیره گشت و به دنبالش گلوله‌های

بودند. گویی راننده بلدوزر تصویر دلشان را به چشم می‌دید و نمی‌توانست زیر رگبار کار را تعطیل کند. اگر راننده آن قسمت از جاده را پیش می‌برد، فقط یک پیچ دیگر می‌ماند که تنگه تمام شود.

راننده با تیغ بلدوزر سنگ‌ها را از سینه کوه کند و به ته دره پرت می‌کرد. قدرت مانورش آن قدر کم بود که همیشه یکی از شنی‌های لب پرتگاه قرار می‌گرفت و هر لحظه امکان سقوط فراهم بود. از هر طرف که کارش بررسی می‌شد، یک خطر تهدیدش می‌کرد. او قوی‌ترین بلدوزر را برای کار انتخاب کرده بود و سنگ‌های بزرگی را می‌توانست از جا کنده و پیش رود. هر سنگی که از جا کنده می‌شد با صلوات اطرافیان همراه بود و به کار دلگرمی می‌داد.

هنگامی که تیغ بلدوزر زیر سنگ قرار می‌گرفت، نفس‌ها در سینه حبس و چشم‌ها به سنگ خیره می‌شد و کافی بود کوچکترین حرکتی از سنگ می‌دیدند. در مواقعی بلدوزر تا نیم متر از جا کنده می‌شد ولی سنگ همچنان پا بر جا بود و استوار. آن جا جنگی بود بین انسان و طبیعت. طبیعت را استواری کوه پشتوانه بود و انسان را استقامت اراده، طبیعت را رگبار دوشکای دشمن همراهی می‌کرد و انسان را شوق رسیدن به عملیات وسیعی چون والفجر ۱۰، طبیعت را سرمای هوا با برف و بوران دلگرمی می‌دارد و انسان را اتحاد جماعتی مستضعف و گمنام. طبیعت سلاح کفر قرار گرفته بود و انسان در صدد بود آن را به دامن اسلام بیاورد. طبیعت رام نمی‌شد و انسان با او مدارا می‌کرد. راننده یک بار دیگر بلدوزر را به عقب کشید. یکی از گلوله‌های دوشکا به بدنه اش اصابت کرد و به دنبالش رگباری روی سرش

بلدوزر را بایستاند، آن حلقه مظلوم را از هم پاشاند. راننده برای حرکت دادن یک سنگ بزرگ، بلدوزر را با مهارت پیش برد. چند گلوله‌ی دوشکا قسمتی از دستگاه را سوراخ کرد ولی چشم‌های نگرانی که به کارش خیره شده بودند، تداوم کار را می‌طلبیدند. آنکه بارها در میان طوفان راه



را گم کرده بود، آنکه از سر شب تا صبح با چکش و کمپرسی کار می‌کرد، آنکه در این یک ماه کار حتی چند ساعت لباسش خشک نشده و همیشه با بدنی خیس کار می‌کرد، آن فرمانده‌ای که چند بار بن بست را جلوی کار به چشم دیده بود و در میان آن سرمای کشنده روی برف‌ها رو به قبله دست به دعا نشسته و با اشک‌های روانش ناامیدی را از مسیر کار برداشت، آن فرمانده‌ای که برای دلگرمی کارگران بیشتر از هر کارگری در جاده چکش کار کرده بود و آن جماعت بسیجیانی که همگی مهبیای عملیات بودند و فقط در انتظار جاده نشسته

تیربار در میان مه خاموش شد. دل‌های نگران یک بار دیگر به آرامش دست یافت و رضایت خدا در کمک به جهادگران به خوبی لمس شد. مه پدافند جاده سازان گشت و راننده یک بار دیگر تیغ بلدوزر را به زیر سنگ هدایت کرد و نبرد از سر گرفته شد. راننده تمام توان بلدوزر را در نوک تیغ متمرکز کرد و فشار را به حداکثر رساند، پشت دستگاه یک متر بلند شد و سپس تکانی، سنگ چند صد تنی را از جا کند، صلواتی بلند تنگه را فرا گرفت و جاده قدمی پیش رفت. دیگر زمستان هم تاب تحمل نداشت و رو به بهار بود، به سان زمستان جنگ که بهاری پر گل را در پیش داشت. بهار از دامنه‌های سرسبز مشرف به دشت، بر زمستان روی قله ملخور لبخند می‌زد و بهار جنگ در امتداد جاده تا خط مقدم که بسیجیان را نشان می‌داد و در هوای دشت و شهرهایش رو به پرواز بود. تن خسته جاده سازان در سنگری بزرگ استراحت را می‌طلبید.

سنگر بیشتر اوقات پر بود و تا هفتاد نفر را در خود جای می‌داد. دو بخاری نفتی همیشه می‌سوخت و در اطرافش، انسان‌هایی لباس و بدنشان را گرم می‌کردند. سنگر مأوای همان مظلوم‌هایی بود که در برف و باران جاده می‌ساختند. دور تا دور آن لباس‌های خیس آویزان بود و جهادگران در دو ردیف خوابیده بودند. از کار که بر می‌گشتند، تن خسته را زیر پتو برده و زود خوابشان می‌برد. در گوشه‌هایی از آن سنگر بزرگ زمزمه‌هایی به گوش می‌رسید و درد دل‌های آن اشک گمنام را تفسیر می‌کرد. برف‌های روی سنگر در اثر گرما آب می‌شد و از چند قسمت چکه می‌کرد. هر صبح که برای نماز بر می‌خاستند، چند پتو خیس می‌شد و این مجموعه را با فضای مظلومش، استراحتگاه نام نهاده بودند. عبور چند لشکر زرهی از کنار آن سنگر که آهنگ دلتوازشی تانک‌ها را در گوش‌ها

با ذکر یک صلوات ۳۳۰۰ شهید وزارت جهاد کشاورزی را یاد کنیم

می‌نواخت، آرامش را به گونه ای دیگر همراه با بهار جنگ در درونشان زمزمه می‌کرد. جاده، گذرگاه قله و آن دشت وسیع گشته بود و عبور حماسی از آن گذرگاه نوید عملیات وسیعی را می‌داد. بلدوزرها همچنان پیش‌تاز این نبرد بودند و با گذراندن آن جاده استراتژیک، وارد دشت شده و می‌رفتند که چون سرزمین خوزستان برای احداث خاکریز از کارهای کوهستانی خداحافظی نمایند.

